

سلسله‌مراتب تشریف به اماکن مقدس در شهرهای تاریخی- مذهبی ایران نمونه موردی: شهر قم در دوران صفوی و قاجار

سید عبدالهادی دانشپور^{۱*}، مصطفی بهزادفر^۲، محمد رضایی ندوشن^۳

۱- دانشیار دانشکده‌ی معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

۲- استاد دانشکده‌ی معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

۳- دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۱۱، تاریخ پذیرش نهائی: ۱۳۹۶/۰۷/۲۵)

چکیده

پژوهش‌های متعددی پیرامون ضرورت وجود و کیفیت سلسله‌ای از فضاهای متوالی در مورد ورودی اماکن تاریخی - مذهبی ایران به انجام رسیده، اما نسبت به تأثیر این سلسله‌مراتب در ادراک مخاطب پژوهش‌های کمی صورت گرفته است. سلسله‌مراتب ورود به شهرهای تاریخی-مذهبی که دارای اماکن مقدس هستند و مخاطب (زائر) به شوق زیارت و به منظور برطرف شدن حاجات خود وارد آنجا می‌شود، نیازمند بررسی بیشتری است. این مقاله در تلاش است تا شناخت سلسله‌مراتب تشریف به حرم حضرت معصومه (س) در دوره صفوی و قاجار در مقیاس معماری و شهری را مورد بررسی قرار دهد. همچنین به دنبال پاسخ این پرسش است که وجود سلسله‌ای از فضاهای ورودی چه تأثیری بر ادراک و رفتار زائرین حضرت معصومه (س) می‌گذارد؟ برای ایجاد تصویری مناسب از تشریف به شهر مقدس قم در دوره‌ی صفوی و قاجار می‌بایست با روش تحقیق توصیفی و تفسیری و با استفاده از منابع و اسناد کتابخانه‌ای به این مهم دست یافت. مهم‌ترین منابعی که می‌تواند تصویر گذشته‌ی شهر قم و حرم حضرت معصومه (س) را بازسازی کرد. منابع مکتوب تاریخ شهر قم، منابع تصویری (نقشه، گراور و عکس) و به‌خصوص سفرنامه‌هایی است که از قم عبور کرده‌اند. از آنجایی که این پژوهش در جستجوی تأثیرات روانی و ادراکی مبادی ورودی شهر قم در گذشته بوده، متن سفرنامه‌ها که بیان ادراک و احساس خاص سفرنامه‌نویسان در نخستین دیدار است، مهم‌ترین منبع پژوهش هستند. حاصل بررسی متون سفرنامه‌ها و منابع تصویری در روند این پژوهش، تصویر مشخصی از سلسله‌مراتب تشریف به شهر قم را نشان می‌دهد. سلسله‌مراتب تشریف از فاصله حدود ۲۵ کیلومتری شهر قم با رؤیت گنبد حرم حضرت معصومه (س) شروع و تا داخل فضای گنبدخانه ادامه داشته است. در این نوشتار سلسله‌مراتب تشریف به حرم حضرت معصومه (س) با ذکر جزئیات فضاهای متوالی و تأثیرات آن بر ادراک مخاطبان و زائران برای نخستین بار معرفی می‌شود.

کلید واژه‌ها: قم، اماکن مقدس، حرم حضرت معصومه (س)، سلسله‌مراتب تشریف، ادراک

* Email: daneshpour@iust.ac.ir

DOI: <http://dx.doi.org/10.29252/smb.5.6.51>

این نوشتار برگرفته از رساله‌ی دکتری محمد رضایی ندوشن با عنوان «بازتعریف مفهوم دروازه‌ها در مکان شهری، تأثیر دروازه‌های شهری بر رفتار عابران (نمونه موردی: شهر قم)» به راهنمایی دکتر سید عبدالهادی دانشپور و دکتر مصطفی بهزادفر می‌باشد.

پرسش‌های پژوهش

۱. سلسله‌مراتب تشریف به حرم حضرت معصومه (س) در مقیاس فراشهر، شهر و بنا چگونه بوده است؟
۲. وجود سلسله‌ای از فضاهای ورودی چه تأثیری بر ادراک زائرین حضرت معصومه (س) می‌گذاشته است؟

۱- مقدمه

مبادی ورودی به شهرهای گذشته ایران به علت وجود بارو و دروازه‌ها دارای سلسله‌مراتبی از فضاهای متوالی است. این سلسله‌مراتب معمولاً شامل: جاده منتهی به شهر، میدانگاه قبل از دروازه، خندق، پل، دروازه، میدانگاه دروازه، راسته‌ی اصلی بازار و نهایتاً مرکز شهر (میدان اصلی شهر یا مسجد جامع) می‌شده است. این سلسله‌مراتب در شهرهای مذهبی ایران، همچون قم، به علت وجود آداب زیارت به عنوان "سلسله‌مراتب تشریف" یاد می‌شود. چراکه در این شهرها زائر به شوق زیارت و طلب حاجات رنج سفر را بر خود هموار می‌سازد، از این رو رسیدن و رؤیت مکان مقدس و نحوه‌ی تشریف به آن اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در دوران کنونی، به علت توسعه شهری لجام گسیخته در شهرهای مذهبی و تغییر دیدگاه‌ها در معماری، سلسله‌مراتب تشریف به ابنیه مقدس از دست رفته است.

توجه به سلسله‌مراتب اماکن مقدس ایران را می‌توان در دوران صفوی و در حرم حضرت رضا (ع) در مشهد، حرم حضرت معصومه (س) در قم، مسجد و مقبره شیخ صفی در اردبیل و مقبره شاه نعمت‌الله ولی در ماهان مشاهده کرد. شهر قم یکی از بهترین نمونه‌های سلسله‌مراتب تشریف به اماکن مقدس در مقیاس شهری و معماری در گذشته بوده

که رجوع به منابع مختلف نشان می‌دهد تاکنون بررسی‌ای در مورد آن صورت نگرفته است. این مقاله سعی دارد به بازشناسی سلسله‌مراتب تشریف به حرم حضرت معصومه (س) در دوره صفوی و قاجار که دومین حرم مقدس ایران است، بپردازد. به‌منظور ارائه تصویری مناسب از شهر قم در دوره‌ی صفوی و قاجار عموم سفرنامه‌ها و منابع تصویری (گراور، نقاشی و عکس) این دوران شهر قم بررسی شده‌اند. برای فهم پرسش دوم پژوهش، ۴۷ سفرنامه داخلی و خارجی، مورد کنکاش قرار گرفته است. هدف از بررسی سفرنامه‌ها کشف تأثیرات فضاهای ورودی بر ادراک سیّاحان بوده است. سفرنامه‌نویسان خارجی که عموماً برای نخستین بار به یک شهر مذهبی در ایران وارد می‌شدند، به توصیف دقیقی از تشریف به شهر قم و بارگاه حضرت معصومه (س) پرداخته‌اند. حدود ۲۰۰ عکس از عکاسان ایرانی و خارجی دوره قاجار بررسی شده‌اند که تصویر معتبرتری نسبت به نقاشی و متون سفرنامه‌ها را ارائه می‌دهند. حاصل بررسی و تحلیل منابع تصویری و متون سفرنامه‌ها، تصویر آشکار و مشخصی از سلسله‌مراتب تشریف به شهر قم را برای نخستین بار نشان می‌دهد. سلسله‌مراتب تشریف از فاصله حدود ۲۵ کیلومتری شهر قم با رؤیت گنبد طلایی حرم حضرت معصومه (س) شروع و تا داخل فضای گنبدخانه ادامه داشته است. در این نوشتار تمامی سلسله‌مراتب با ذکر جزئیات فضاهای متوالی و تأثیراتی که بر مخاطبین داشته است، معرفی می‌شود.

۲- مبانی نظری

وجود سلسله‌مراتبی از فضاهای ورودی برای داخل شدن به هر فضایی مورد تأکید عموم نظریه‌پردازان عرصه طراحی محیط است. در این

طبیعت را از محیط مصنوع و متمدن متمایز می‌کند. ورودی، اتصال‌دهنده شهر با جامعه فراتر و طبیعت نامحدود است. مخاطب به هر نیتی با رسیدن به این فضا احساس حضور و تعلق به شهر کرده و با زبان شهر آشنا می‌شود و بدین‌صورت شهر برای او به تدریج خوانا می‌شود» (گروتز، ۱۳۸۸: ۵۴).

برخی از نظریه‌پردازان نیز به تأثیرات روانی و ادراکی که دروازه‌های شهرهای گذشته ایجاد می‌کرده‌اند، پرداخته‌اند: «یک دروازه ممکن است مکانی برای سنت‌های قدیمی، مذهبی و یا مراسم جشن باشد. احساس جشن، خنده، ناراحتی، ترس یا مفاهیم پرازش گذشته هنوز در مکان وجود دارد و ما وقتی از دروازه عبور می‌کنیم، آنها را حس می‌کنیم. اگر علم به نقش، عملکرد و کیفیت شهری فضای حال حاضر تحت تأثیر درک تاریخی باشد، احترام‌ها و رعایت‌ها عمیق‌تر خواهد بود» (White, 2007: 191). اگرچه حصار با امور دفاعی در ارتباط بوده است، با این حال نباید مفهوم روانشناختی حصار را نادیده گرفت. حصار به مثابه کشتی، به ایجاد احساس وحدت میان ساکنان شهر کمک می‌کرده است (Gregori, 2016: 87).

بسیاری از نظریه‌پردازان بر این عقیده‌اند که به علت وجود حصارها در شهرهای گذشته‌ی ایران، تنها مدخل ورود به شهرها دروازه‌ها هستند که حس قوی ورود را در مخاطب ایجاد می‌نمایند و به نوعی ورود به شهر را منحصر به یک مکان و فقط دروازه می‌کنند: «حصار با خندقی که خارج از شهر قرار داشت شهر را تعریف می‌کرد و اینها نشانه‌هایی از شهر بودند. حصار، شهر را به‌صورت یک جزیره در می‌آورد. شهر قرون وسطایی، دنیایی با افق‌های باز، مرزهای نامعلوم، پر ابهام، دریا‌های ناشناخته و فواصل گیج‌کننده نبود. این

بخش ابتدا این نظریات در مورد سلسله‌مراتب ورود بررسی شده و در ادامه نیز مباحثی پیرامون سلسله‌مراتب تشریف به بناهای مذهبی مطرح می‌گردد.

نظرات زیادی در مورد فضاهای ورودی و نحوه‌ی تأثیر آن بر ادراک مخاطب وجود دارد: فضاهای ورودی چه در بنا و چه در شهر می‌تواند به‌عنوان بستری برای یک تجربه‌ی مطبوع انسانی عمل کرده و ورود و خروج را آگاهانه نماید. دوگانگی موجود بین داخل و خارج از طریق این فضا که آن را آستانه می‌نامند با استفاده از ابزارهای واسطه‌ای تبدیل به فضایی بامعنی و هدفمند شده و به ایجاد حس هویت، می‌انجامد (Smithson, 1974).

بسیاری از نظریه‌پردازان، ورودی را محلی برای شناسایی کلیت یک فضا و آماده شدن برای حضور در آن می‌دانند؛ «ورودی هر فضا، اولین مکانی است که با حضور در آن خصوصیات کلی فضا، آداب ورود، حد خصوصی و عمومی بودن و سایر ویژگی‌های فضا کشف می‌شود. به‌واقع با تمهید ورودی برای یک فضا (خواه یک شهر خواه یک محله یا یک بنا) آن فضا برای ساکنانش هویت یافته، تقویت می‌شود، نشانه‌گذاری شده و زنده‌تر نمایان می‌گردد» (Alexander, Ishikawa, & Silverstein, 1977: 277). «دروازه‌ها شامل درب‌ها، آستانه‌ها و مکان‌هایی جالب هستند که از سیر بیرون به درون تولید می‌شوند. دروازه‌ها نقاط جهت‌یابی هستند؛ مکان‌هایی که ما خودمان را برای وارد شدن به عرصه‌ی دیگر آماده می‌کنیم» (White, 2007: 188).

برخی از نظریات که بر علوم رفتاری تکیه دارند، ورودی را مرز یا مفصل قلمروهای اجتماعی می‌دانند؛ «ورودی شهر محدوده‌ای است که قلمرو

نظریات بررسی شده در این پژوهش، نظری خلاف این را دارند و پدیده ورود را منحصر به یک مکان (دروازه) می‌دانند.

در معماری مساجد و اماکن مقدس بر ایجاد سلسله‌مراتب تشریف تأکید وجود داشته است؛ مثلاً در این اماکن در قسمت ورودی یک جلوخان یا یا بست وجود داشته و حتی در قسمت جلوی آن زنجیر داشته‌اند که مراجعه‌کنندگان، سواره وارد نشوند و حرمت مکان رعایت شود. «در سلسله‌مراتب تشریف به اماکن مذهبی برای اینکه زائرین در مسیر حرکتی خود آمادگی روحی برای تشریف پیدا کنند، در معماری این اماکن ابتدا بست و سپس صحن، کفش‌داری، رواق‌ها و سپس گنبدخانه می‌ساختند. مکان بست به علت مکان مکث که یک طرف به فضایی روحانی و یک طرف به شهر اتصال دارد، حالت محیط برزخ را دارد» (دهشیدی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

ایجاد سلسله‌مراتب تشریف در فضاهای داخل و خارج شهر عموماً در تطابق با اهداف و آداب زیارت به وقوع می‌پیوندد: «زیارت نیز حرکت یا سفری است در شهر که با نیت از یک مبدأ آغاز می‌شود و با طی مسیر در شهر ادامه پیدا می‌کند. در مکان‌هایی که مقصد، میانه راه است متوقف می‌شود و تا مکان زیارتگاه، که اوج زیارت و مقصد حرکت است، ادامه می‌یابد. ... می‌توان انتظار داشت در شهری که زیارت روی می‌دهد، میان زیارت و مسیرهای شهری نسبت‌هایی وجود داشته باشد» (چیت‌سازیان، ۱۳۹۰: ۹۵). «در بازار اطراف مشهد قبل از تخریب‌ها هر چقدر از مرقد امام رضا (ع) دورتر می‌شدید، مغازه‌های زرگری و غیره را می‌دیدید و هر چقدر نزدیک حرم می‌شدید، مهر و تسبیح فروشی‌ها دیده می‌شدند. به این ترتیب، حرمت‌ها و سلسله‌مراتب تشریف کاملاً

شهر دنیایی با تعاریف اکید بود. حصارها و دیوارهای آیینی، طبقات اجتماعی را محدود می‌ساخت و مانع تخطی آنها می‌شد.» (مامفورد، ۱۳۸۵: ۸۹). در گذشته‌های دور مفهوم ورودی تنها یک مکان فیزیکی بوده است که با ایجاد شهر و شهرنشینی، این مفهوم نیز در طول زمان کامل و کامل‌تر گردیده است که تبلور کالبدی آن را تحت دروازه می‌شناسیم (پاکزاد، ۱۳۸۴: ۹).

ورودی شهرهای ایران در گذشته، همواره سلسله‌سای از فضاها بود که خود، از دو عامل امنیت و مرکزیت منتج بوده است. دروازه ورودی شهر بوده که معمولاً در امتداد باروی شهر ایجاد می‌شده است. «در شهرهای گذشته معمولاً سلسله‌مراتبی از فضاها از ورودی شهر تا مرکز شهر وجود داشته که معمولاً از دروازه‌های شهر شروع می‌شده و به مرکز شهر که معمولاً مسجد جامع یا ارگ حکومتی بوده ختم می‌شده است. این سلسله‌مراتب ورود با عبور از میان از گذرها، بازار و راسته‌های آن، میدان‌ها و محلات گوناگون حاصل می‌شده است. این ویژگی در شکل تمامی شهرهای گذشته ایران از دوره مادها تا دوره قاجار مشهود است» (حیبی، ۱۳۷۸: ۵۶).

هرچند وجود حصار در شهرها موجب تأکیدات کالبدی و ایجاد حس قوی از ورودی در مکان دروازه‌ها می‌شده است و دروازه‌ها نقطه‌ی عطف ورود به شهرها هستند؛ اما نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، در گذشته از هنگامی که برای نخستین بار، سواد و باروی شهر از راه‌های اطراف آن دیده می‌شده تا زمان عبور از دروازه و رسیدن به مقصد در داخل حصار شهر، مبادی ورودی به صورت یک پدیده‌ی خطی برای عابر نمود می‌یافته است و در این گذار، دروازه‌ی شهر تنها یک فضا از سلسله فضاهای ورود به شهر است که عموم

فراهم کند. همچنین مجموعه فضاهای ورودی آنها با این هدف طراحی می‌شده است که امکان حضور قلب را برای زائر فراهم نماید. به رعایت این کیفیت‌ها در حین حرکت به سمت مقصود، سلسله‌مراتب تشریف گفته می‌شود. در شهرهای مشهد و قم این سلسله‌مراتب در عناصر شهری و فضاهای شهری منتهی به حرم مطهر نیز کاملاً رعایت شده بود. این پژوهش سعی می‌کند فضاهای و نقاط عاطفی که در مسیرهای تشریف به حرم حضرت معصومه (س) در نظر گرفته شده بود را به همراه تأثیرات اداری و رفتاری آن بر زائر شناسایی و بررسی نماید.

۳- روش تحقیق

برای رسیدن به پاسخ سؤالات و اهداف این پژوهش می‌بایست به تصویر مناسبی از شکل شهر قم و دیدهای طراز چشم انسان و ویژگی‌های سلسله فضاهای به هنگام تشریف به حرم حضرت معصومه (س) در زمان صفوی و قاجار رسید. با توجه به تغییرات زیادی که اکنون در شهر قم ایجاد شده است در کالبد فعلی قم اثری از این تصویر نیست و باز نمود آن بسیار مشکل است. از این رو می‌بایست از روش توصیفی - تفسیری با رویکرد هرمنوتیک استفاده نمود. «هرمنوتیک تئوری و عمل تفسیر است. در دیدگاه هرمنوتیک به وجود آورنده‌ی متن، معمولاً برای توضیح اثر خود حضور ندارد، از این رو محقق باید روش‌هایی را بیابد تا بتواند معانی مندرج در متن مورد مطالعه را کشف کند. مانند مطالعه یک پدیدارشناس درباره‌ی یکی از چشم‌اندازهای رودخانه لوئیزیانا. او برای بررسی پدیدارشناسانه مکان، تاریخ و جغرافیای آن منطقه، از اسناد علمی و تاریخی استفاده می‌کند» (پرتوی، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

رعایت می‌شد. این مراتب را آداب زیارت حکم می‌کرد» (بهشتی، ۱۳۹۵: ۹).

یکی از نظریه‌پردازانی که در حوزه آداب زیارت و فضا، پژوهش‌هایی را در تمامی ادیان انجام داده است "تامس بری" است، وی معتقد است در پیش‌فضاها اماکن مذهبی، همواره عناصری فضایی برای کمک به هدف زائر وجود دارد: «در اسلام، مقصد زیارت مسجدالحرام، کعبه و حجرالأسود شریف است، حتی وقتی که زائر به محدوده‌ی حرم شریف می‌رسید، مکان مقدس آسان در دسترس نبود و سفر زائر با عبور از دروازه‌ها و آستانه‌ها و معابری که گذشتن از آنها برای رسیدن به جایگاه مقدس لازم بود، ادامه می‌یافت» (بری، ۱۳۸۴: ۵۹). «حب دین و تحول معنوی بنیاد همه زیارت‌های دینی است. تدارک برای زیارت، فعل سفر و رسیدن به مکان معنوی، همه‌ی اینها زائر را از زندگی روزانه بیرون می‌برد» (بری، ۱۳۸۴: ۶۷). مطابق نظریات وی طی مسیر و تغییر مکان در شهر از اجزای اصلی زیارت است. «سیر و مکان عناصر اساسی، در ترکیب هر شهر هستند. شهر را می‌توان از منظر هدف و سیر قرائت کرد؛ یعنی از منظر همان دو چیزی که اساس زیارت هم هست. از سویی می‌دانیم که اعتقادات دینی با آیین‌ها و مراسم‌اش که قانون و سمبل می‌شود تناظر تنگاتنگی با کالبد معماری و شهر دارد. می‌توان انتظار داشت در شهری که زیارت در آنها روی می‌دهد میان زیارت و مسیرهای شهر نسبت‌هایی وجود داشته باشد» (Barrie, 1996: 53).

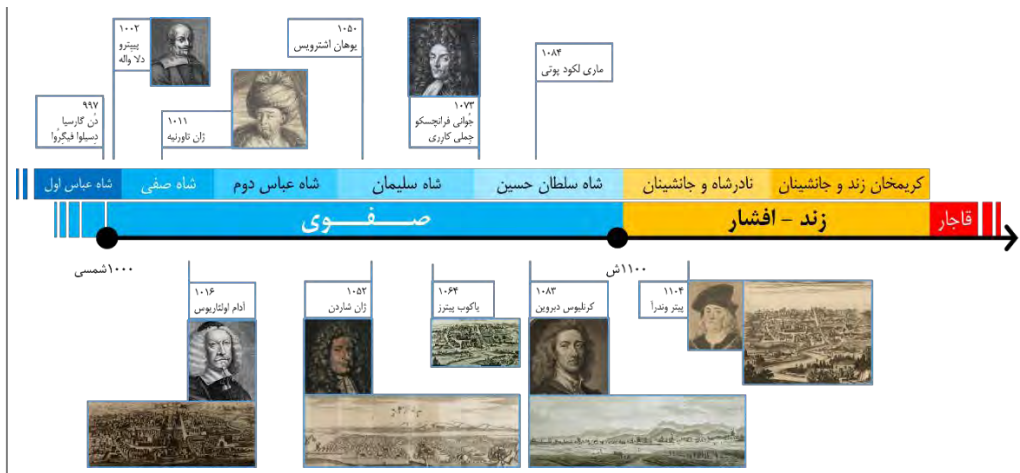
بررسی نظریات نشان می‌دهد برای ورود به اماکن مقدس، سلسله‌ای از فضاهای متوالی و متباین وجود داشته و معماری ابنیه مذهبی در ایران سعی کرده فضای مناسبی برای انجام آداب زیارت

با انتخاب رویکرد هرمنوتیک بهترین منبع برای بازشناسی منظر ورودی شهر قم سفرنامه‌هایی است که در آنها به چگونگی ورود به قم اشاره شده است. چرا که در سفرنامه‌هایی که دوره تاریخی پژوهش همزمانی دارند، سفرنامه‌نویس از اولین مواجهه خود با شهر قم می‌گوید که معمولاً اثر فضاهای ورودی در این مواجهه بیشتر است. پرسش دوم پژوهش به چگونگی تأثیرات روانی و ادراکی سلسله‌ای از فضاهای ورودی می‌پردازد، متن سفرنامه‌ها مبین حالات احساسی خاص نگارندگان آنها است که برای رسیدن به پاسخ این سؤال بسیار کارگشاست.

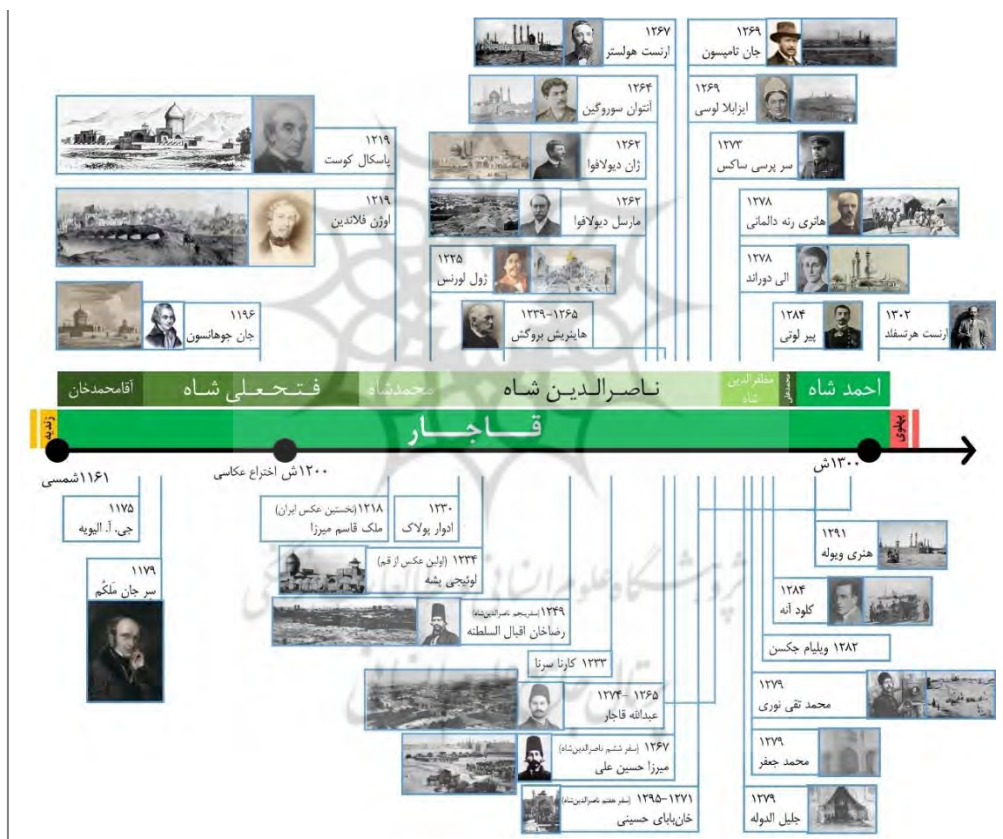
برای انجام این تحقیق، متن ۳۷ سفرنامه از سال ۱۶۱۸ تا ۱۹۲۵ م. که توسط جهانگردان خارجی تدوین شده، واکاوی شده است. همچنین ۱۰ سفرنامه که توسط ایرانی‌هایی همچون حاج‌عبد‌الغفار نجم‌الملک، میرزا علی‌اصغرخان صفاءالسلطنه، جعفر قلی‌خان معین‌السلطان، کامران‌میرزا نایب‌السلطنه و سیداحمد شبیری زنجان‌ی نوشته شده نیز بررسی شده‌اند. چهار سفرنامه نیز، خاطرات روزانه ناصرالدین شاه قاجار در سفرهایش به قم است. در متن سفرنامه‌ها جزئیات دقیقی از تشریف به شهر قم و بارگاه حضرت معصومه (س) آمده است. بسیاری از سفرنامه‌ها که قبل از اختراع دوربین عکاسی تألیف شده‌اند، حاوی گراورهای هستند که در آنها

عناصر اصلی و ساختار شهر تاریخی قم قابل شناسایی است. منبع مهم دیگر عکس‌ها و نقشه‌های تاریخی هستند که تصویر معتبرتری نسبت به متون سفرنامه‌ها را مطرح می‌کنند. به‌علت قرارگیری قم بر سر راه‌های مهم و علاقه شاهان قاجار به زیارت حرم حضرت معصومه (س) و حرفه عکاسی، عکس‌های بسیاری از شهر قم وجود دارد. برای انجام این تحقیق آرشیوی از عکس‌ها تاریخی دوره قاجار، شامل ۳۳ آلبوم و حدود ۲۱۰ عکس از عکاسان ایرانی و خارجی تهیه شد. منبع این آلبوم‌ها عکاس‌خانه کاخ‌موزه گلستان، مرکز اسناد کتابخانه ملی ایران و آرشیو دیجیتال کتابخانه‌ها و موزه‌های سراسر دنیا است.

برای بررسی منابع در مرحله بعد می‌بایست سفرنامه‌ها، گراورها، نقشه‌ها و عکس‌ها بر اساس تاریخ ثبت و انتشار آنها مرتب می‌شدند. در نمودار ۱ و نمودار ۲ عموم منابع استفاده شده در این پژوهش بر حسب سال و دوره تاریخی آن در یک خط زمان قرار داده شده‌اند. خط زمان دوره صفوی و قاجار به همراه نام شاهان این دوران را در بر می‌گیرد. خط زمان تکنیک بسیار مهمی برای درک روند تغییرات شهر قم است. به‌علت اهمیت تقدم و تأخر منابع در این مقاله تاریخ نوشتن متن سفرنامه‌ها یا تصاویر تاریخ ثبت آنها به شمس‌ی آمده است.



نمودار ۱- خط زمان سفرنامه‌ها و منابع تصویری شهر قم در دوره صفوی (ماخذ: نگارندگان)



نمودار ۲- خط زمان سفرنامه‌ها و منابع تصویری شهر قم در دوره قاجار (ماخذ: نگارندگان)

آن در بازه‌ی زمانی این مقاله (صفوی و قاجار) برای فهم سلسله مراتب تشریف اهمیت فراوانی دارد که در این بخش مختصراً اشاره می‌شود. «شکل‌گیری شهر قم مرهون رودخانه اناربار یا قمرود است.

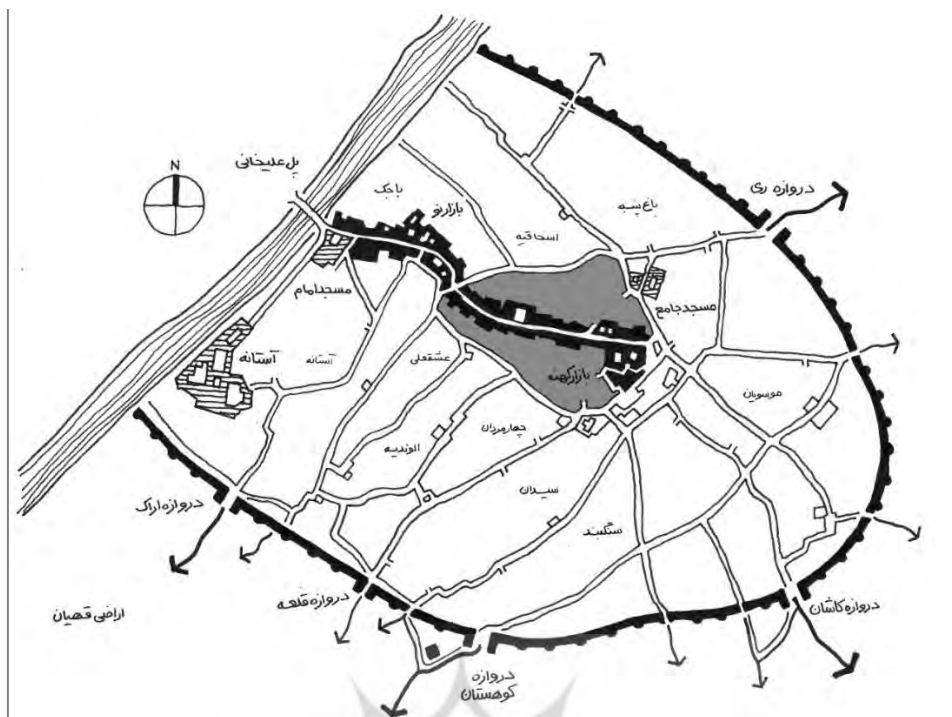
۴- جایگاه راه‌ها و دروازه‌ها در ساخت تاریخی شهر قم
شناسایی عوامل سازنده و ساختار شهر قم همچنین راه‌های منتهی به شهر و مبادی ورودی به

تحولات درونی کمابیش همان محلات قرون نخستین هجری می‌باشند. تا اواخر قاجار شهر قدیم قم از ده محله تشکیل می‌شد: آستانه، عشقعلی، الوندیه، چهارمردان، سیدان، سنگ‌بند، موسویان، مسجدجامع، باغ‌پنبه و اسحاقیه. این محلات اکنون باهمین نام‌ها در بافت قدیم شهر قم شناخته می‌شوند (پاکزاد، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

سه مسیر اصلی ورود به شهر قم از سمت ری (تهران)، ساوه و کاشان (اصفهان) بوده که اهمیت این مسیرها در دوره صفوی و قاجار متفاوت بوده است. در دوره صفوی به‌علت پایتخت بودن اصفهان مسیر ساوه که راه دسترسی اروپائیان به پایتخت بوده اهمیت بیشتری داشته است. این مسیر از سمت ساوه به پل و دروازه بگجه، راسته اصلی بازار و نهایتاً حرم منتهی می‌شده است (تصویر ۱ و تصویر ۲). مسیر دیگر از سمت اصفهان و دروازه کاشان (تصویر ۳) بوده که پس از عبور دروازه کاشان از گذر اصلی محله چهل اختران به میدان کهنه و مسجد جامع می‌رسیده است و از طریق راسته اصلی بازار به حرم منتهی می‌شده است (تصویر ۳ و تصویر ۴). مسیر مهم دیگر از سمت ری بوده است که پس از عبور از دروازه ری (تصویر ۳) به گذر اصلی محله دروازه‌ری و مسجد جامع می‌رسیده و از طریق راسته اصلی بازار قم به حرم متصل می‌شده است (تصویر ۱۷). در دوره قاجار به‌علت پایتخت شدن تهران، ابتدا مسیر دروازه ری اهمیت بیشتری می‌یابد که در دوره ناصری با ایجاد جاده جدید از سمت دروازه ساوه، مجدداً مسیر دروازه بگجه که در زمان ناصری پل و دروازه علیخانی نام می‌گیرد، اهمیت خود را باز می‌یابد (کرزن، ۱۳۷۳: ۴). مسیر جدید بعد از ارتفاعات منظریه، حدود ۲۵ کیلومتری شهر قم مستقیم به سمت حرم حضرت معصومه (س) است،

مردم ناحیه قم از دوران باستان نهرهای متعددی را از این رودخانه متفرع کرده و هر شاخه‌ی آن را به قسمتی از دشت قم جاری ساخته و سیستم آبیاری منظمی را پدید آورده‌اند. شهر قم به‌واسطه موقعیت جغرافیایی ویژه‌اش در مرکز ایران از دوران باستان تاکنون و عبور جاده‌های سراسری کشور مورد توجه بوده است. در قرون اولیه اسلامی این جاده‌ها اهمیت بیشتری یافتند و شهر اسلامی در محل تلاقی این راه‌ها تشکیل گردیده است. عمده‌ی این راه‌ها عبارت بودند از: جاده خراسان از طریق دروازه ری، جاده ساوه و همدان از طریق دروازه بگجه، جاده کاشان و اصفهان از طریق دروازه کاشان، جاده عراق از طریق دروازه برید. جاده‌هایی نیز از شهر به دژها، دیه‌ها و مزارع اطراف وجود داشته است» (سعیدنیا، ۱۳۶۵: ۱۵۵). مشاهده شبکه گذرها و کوچه‌های بافت قدیمی شهر، ردپای بسیاری از این جاده‌ها را در متن شهر مشخص می‌سازد. این جاده‌ها پس از گذر از دروازه‌های قدیمی از معابر اصلی داخل شهر عبور می‌کرده و به مرکز قدیمی شهر منتهی می‌شده است. «نخستین باروی شهر دارای سیزده دروازه بوده که شش دروازه آن به جاده‌های اصلی و هفت دروازه‌ی دیگر آن به روستاها و مزارع و نواحی پیرامون شهر گشوده می‌شده‌اند. عمده‌ترین این دروازه‌ها: دروازه ری، دروازه کاشان و اصفهان، دروازه ساوه (بگجه) و دروازه جبال (کوهستان) بود. نشانه‌های نخستین باروی شهر و آثار آخرین باروی شهر در دوره قاجار تقریباً یکی است» (سعیدنیا، ۱۳۶۵: ۱۵۱). پس از احداث باروی شهر در محل تقاطع بارو با جاده‌های مذکور نخستین دروازه‌های شهر شکل گرفتند.

شالوده محله‌های بافت قدیمی شهر قم که در دوره قاجار نیز وجود داشته‌اند صرف نظر از



تصویر ۴- ساختار شهر قم در دوره قاجار.. (محدثی، ۱۳۹۰: ۵۱) (برمنبای سعیدنیا، ۱۳۶۵: ۱۵۴)

۵- سلسله مراتب تشریف به شهر قم و حرم حضرت معصومه (س)

ورودی حرم حضرت معصومه (س) را شامل می‌شود و مرحله سوم شامل بنای حرم، حیاطها (صحن‌ها)، ایوان، گنبدخانه و ضریح می‌شود. در جدول ۱ می‌توانید مراحل تشریف به همراه نقاط عطف این مراحل را به همراه توصیفات که توسط سیاحان از این مراحل انجام داده و تاثیرات ادراکی آنها را مشاهده نمایید که در ادامه مقاله به تفصیل بررسی می‌شوند.

مراحل تشریف به حرم حضرت معصومه بر اساس نوع فضاها و مکان‌های واقع در مسیر تشریف می‌توان به سه مرحله اصلی تقسیم نمود که شامل بیرون شهر، درون شهر و بنای حرم می‌شود. مرحله اول از ارتفاعات مشرف به شهر قم به فاصله ۲۵ الی ۳۰ کیلومتری شهر قم شروع و تا دروازه‌های شهر ادامه می‌یابد. مرحله دوم از دروازه‌های اصلی قم تا

جدول ۱- توصیفات سیاحان از سلسله مراتب تشریف به حرم حضرت معصومه (س)

تأثیرات ادراکی	توصیفات و ویژگی‌هایی سیاحان از مراحل تشریف	نقاط عطف		مراحل تشریف
رؤیت گنبد مطلا و سواد شهر برای اولین بار از فاصله دور	<p>منظره‌ی شهر قم: بزرگ، واقع در جلگه‌ای مسطح، بسیار قدیمی، مساجد و مقابر بسیار، کاروانسراهای بسیار، مستطیل شکل، استقرار در طول رودخانه، کنار رودخانه اناربار، محصور در باغات، وفور گنبد‌های آبی‌رنگ زیبا</p> <p>منظره‌ی حرم: نقطه درخشان، گنبد درخشان، گنبد طلایی، خیره‌کننده، اثر بسیار زیبا، تشخص و برجستگی، همانند ستارگان، کره‌ای زرین، بی‌نظیر، بهترین و باشکوه‌ترین ساختمان شهر، درخشش</p>	منظره	مسیر	بیرون شهر
		نواقلی	تهران	
		پل شاهی	تهپه سلام	
		پل دلاک	مسیر ری	شهر
			مسیر اصفهان	

		خیره کننده و دل‌فریب، درخشانده، مانند تاجی بر سر، باشکوه، شرقی، بهت‌آورتر، تاللو خیره‌کننده، رؤیت نور مناره‌های حرم در شب، تعظیم برای حرم		
منظره زیبای حرم و شهر		چاپارخانه، تلگراف‌خانه، کاروانسرای برای زوار، منظره دیدنی شهر از بالای بام، باغ پرگل و درخت، مهمانخانه بسیار خوب، باغ و عمارت خوب، کلاه‌فرنگی سنگی وسط باغ، باصفا، چشم‌انداز خوب	مهمان‌خانه حضرت معصومه (س) (مهندسیه)	
بزرگی و زیبایی پل و دروازه علی‌خانی	رودخانه	خشک، بزرگ، پر آب، کم‌آب، خروشان، سیل‌خیز، عامل آبادانی شهر قم		
	ورودی شهر	دیوارهای گلی، نیمه‌ویران، برج‌های متعدد در فواصل معین و کم	بارو	
		بسیار بزرگ، سنگی، دوازده دهنه، بسیار زیبا، پل منحنی با ستون‌های کاشی	پل	
		زیبا، ورودی بازار، کم‌عرض	دروازه	
رؤیت‌گنبد حرم در قاب بازار سلامگاه		بازار خوب، آباد، معمور، پررفت و آمد، مرکز تجاری مهم، دیدنی، یک رشته بازار، مسقف، تاریک، سرپوشیده، راسته دراز و عریض دکان‌های بزرگ، متعدد، تمیز و آبرومند، رؤیت‌گنبد از سلامگاه، کاروانسراها و دکاکین بسیار، وسیع، دراز، گورستان، عجیب، شگفت و وحشت‌افزا	راسته اصلی بازار بازار سلامگاه	درون شهر
		گاراژها و مسافرخانه‌های بسیار	میدان بزرگ	
			خیابان بالا	
حیاط‌های پی‌درپی متنوع از نظر فرم و عملکرد		مربع شکل، باغ، خیابان وسط سنگ‌فرش، باغچه، گل، ریاحین، اتاق بسیار، آب‌انبار، جوی آب صاف، حوض، اطعام مساکین، بست‌نشینی، تحصن	حیاط اول: بست	
		سنگ فرش، درختان گوناگون، صفا و زیبایی حیاط اول را ندارد.	حیاط دوم: دارالشفاء	
		دوطبقه، حجره طلبه‌ها، ایوان و مهتابی، جوی، نهرهای کوچک، حوض، چهار درخت بزرگ پرسایه، چهارده پله سنگ مرمر	حیاط سوم: فیضیه	
		حجرات، جلوه و قشنگی، سردر مرتفع، زیبایی بیشتر ضلع قبله	حیاط چهارم: عتیق	
فضای قدسی بسیار نفیس با معماری نیم‌باز و بسته		کاشی‌های الوان، بسیار ظریف، منعکس‌کنند نور خورشید، طلایی	گنبد	مجموعه حرم
		بلند، با ابهت، کاشی‌کاری ظریف، بالای مناره از طلا، چراغ‌های نورانی در شب	مناره	
		مرتفع و بزرگ و تابناک، کاشی‌کاری‌های زیبا، سنگ‌های مرمر سپید و شفاف	ایوان	
		در بزرگ با نقوش زرین و لاجوردی، نقره کوب	درگاه	
		هشت‌ضلعی، بزرگ، زیبا، روشن، کاشی‌های الوان بسیار اعلا، نهایت شکوه و جلال، برافراشته، قندیل بزرگ و درخشان، چراغ‌های مرصع، فرش‌های پشمین خوش‌بافت و پرده‌های نفیس، شکل متناسب، شکوه، جلال، حیرت‌آور	گنبدخانه	
	نرده بزرگ، طلاکاری و نقره‌کاری زیبا، گوه‌های نقره‌ای	ضریح		

(ماخذ: نگارندگان)

۵-۱- مرحله اول

مرحله اول از ارتفاعات مشرف به قم به فاصله ۲۵ کیلومتری شهر تا دروازه شهر را شامل می‌شود که خود شامل سه لایه است. در لایه اول برای اولین بار دشت قم، گنبد مطلای حضرت معصومه (س) دیده می‌شود. لایه دوم شامل حومه شهر و مهمان‌خانه حضرت معصومه (س) است. لایه سوم شامل باروی شهر، پل و دروازه بگجه می‌باشد.

۵-۱-۱- دورنمای شهر قم

به‌علت محصور شدن شهر قم در ارتفاعات و قرارگیری راه‌های اصلی ورود به قم از سمت تهران، ساوه، اصفهان و کاشان از میان دره‌های این ارتفاعات، شهر قم از فواصل دور قابل مشاهده

بوده و در بسیاری از سفرنامه‌ها بدان اشاره شده است: «شهر قم در جلگه‌ی هموار و مسطحی واقع شده است و از ارتفاعات الوند در مشرق آن و از فاصله بسیار دور دیده می‌شود. [۱۰۱۶ش]» (اولناریوس، ۱۳۷۰: ۵۲۷) (تصویر ۵). «وقتی به قم نزدیک می‌شدیم در هر طرف مسجدهای کوچک و مقبره‌ها مشاهده شد. قم شهر بزرگی است نهاده بر دشتی گسترده دامن، در برابر کوه نسبتاً بلندی که فاصله‌اش بیش از نیم فرسنگ نیست. شهر به شکل مستطیلی است که از خاور به باختر در طول رودخانه‌ای دامن کشیده است. پیرامون قم را باغ‌هایی فراگرفته است [۱۰۵۲ش]» (شاردن، ۱۳۷۴: ۵۲۲) (تصویر ۶).



تصویر ۵- دورنمای شهر قم در سفرنامه آدام اولناریوس از ورودی اصفهان [۱۰۱۶ش] (Olearius, 1647: 368)



تصویر ۶- سواد شهر قم در سفرنامه شاردن از ورودی ساوه [۱۰۵۲ش] (Chardin, 1686: 400)



تصویر ۷- دورنمای شهر قم در سفرنامه کُرنیلوس دُبرین از ورودی ساوه، A: مقبره حضرت معصومه B: شاهان [شیخان] C: پل D: مسجد دارای ساختمان بزرگ [مسجد امام حسن عسگری (ع)] E: دو ستون اصلی ساختمان [سردر غیاثیه] [۱۰۸۱ش] (Bruyn, 1718: 180)

معصومه، در آفتاب می درخشید [۱۲۷۰ش]»
(فوریه، ۱۳۵۱: ۱۲۹).

«هنگامی که به نزدیکی دیدگاه گنبد طلایی رنگ قم، که دیدنش از روی زمین‌های بلند چند میل دورتر میسر بود رسیدیم، هژبرالملک در حال چارنعل، چند یارد به سمت دیگر جاده تاخت و از اسب پیاده شد و به حال سجده روبروی زیارتگاه مقدس روی زمین نشسته و به نیایش پرداخت [۱۲۷۸ش]» (Durand, 1902: 50). «هوا که تاریک شد، به قم رسیدیم. حلقه چراغ‌هایی که بر بالای مناره‌های مسجد بزرگ روشن بود، از دور محل آرامگاه معروف حضرت معصومه را نشان می‌داد. چه از رودخانه و چه از جانب گورستان‌های مجاور، هنگامی که آن را تماشا، می‌کنیم، مجموعاً اثر بسیار زیبایی است، بقعه و بارگاه مقدس، دیوارهای بزرگ شهر، مناره‌ها و گنبد طلایی به طور مجزا از برف کوهستان‌های مجاور با تشخیص و برجستگی خاصی دیده می‌شوند [۱۲۸۶ش]» (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۷۳).

یکی از بهترین توصیفاتی که در مورد رؤیت گنبد مطلا آمده است توسط پیر لوتی، رمان‌نویس فرانسوی است:

«هنگام ظهر، در نقطه‌ای بس دور جسم درخشنده‌ای را در بالای افق مشاهده می‌کنیم،

پس از تاجگذاری فتحعلی شاه قاجار [۱۱۸۲ش] گنبد حضرت معصومه (س) مطلا می‌شود و بدین ترتیب درخشش این گنبد از کیلومترها دورتر قابل مشاهده بوده است. گنبد درخشان حرم، اثر ویژه‌ای بر ادراک جهانگردان قبل از ورود به شهر قم گذاشته که در اینجا برخی از آنها آورده می‌شود: «در ظاهر توانستیم از لای هوای کدر نقطه درخشانی را ببینیم، این گنبد طلایی قم بود که از دور به مسافتی بعید دیده می‌شد. دو ساعت بعد به رودخانه‌ای که شهر را مشروب می‌سازد رسیدیم [۱۲۱۹ش]» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۲). «دورنمای قم به معنای واقعی کلمه از فاصله چند مایلی می‌درخشد، زیرا گنبد زیارتگاه این شهر را با ورقه‌هایی از طلا پوشانده‌اند که نور آفتاب را به شکل خیره‌کننده‌ای منعکس می‌کنند [۱۲۳۹ش]» (بروگش، ۱۳۶۷: ۵۴۰). «خوشبختانه ساعت هفت، گنبد طلایی قم پدیدار گردید، که در پرتو اشعه‌ی آفتاب مانند ستارگان نیزه بازی می‌کرد. بالاخره نزدیک ساعت هشت به قم رسیدیم [۱۲۶۲ش]» (دیولافوا، ۱۳۷۸: ۲۱۵). «از اینجا به بعد داخل جلگه قم می‌شویم. وقتی بعد از چهار ساعت حرکت با کالسکه به منظره رسیدیم، دیدیم که از پنج فرسخی گنبد طلایی مزار حضرت

کوه‌های شمال قم که در مسیر تهران/ری به قم قرار گرفته "منظریه" نامیده می‌شده که علت آن، منظری است که به شهر قم و گنبد حرم حضرت معصومه (س) در این مکان وجود دارد. در دوره‌ی ناصری جاده جدید تهران-قم توسط امین‌السلطان احداث می‌شود. این جاده از کوه‌های منظریه به سمت قم، مسیری کاملاً مستقیم در راستای گنبد حرم حضرت معصومه (س) دارد به صورتی که گنبد مطلا در کریدور بصری این محور قرار گیرد (تصویر ۸). «راه منظریه تا قم مستقیم است، در منتهی الیه راه، گنبد طلا و مناره‌های مزار حضرت فاطمه معصومه (س) ساخته شده است» [۱۲۷۰ش] (فوریه، ۱۳۵۱: ۲۵۳) احداث مسیر مستقیم، نشان از اهمیت رؤیت حرم برای عابران را دارد. از منظریه تا قم نیز ۳ نقطه عطف شامل: نواقلی (محل اخذ عوارضی)، پل شاهی و تپه‌سلام وجود داشته است (تصویر ۹). ارتفاعات یزدان جنوب غرب قم نیز به "تپه‌سلام" معروف است که از این نقطه گنبد حرم حضرت معصومه (س) از مسیر اصفهان به قم برای نخستین بار و به صورت یک‌مرته دیده می‌شده است و مکانی بوده که زائران به حضرت معصومه (س) سلام می‌دادند (تصویر ۱۰).



شینی که به واسطه انعکاس نورش همچون ستارگان نمایان است، گویا سیاره‌ای است که طلوع می‌کند، یا کره‌ای زرین از آتش است، به‌طور خلاصه چیزی غیرعادی که هرگز نظیر آن را ندیده‌ایم. آن شیء نورانی حتماً گنبد طلائی مشهور است و مانند فانوسی روشن است که در وسط روز افروخته باشند. ساعت چهار بعد از ظهر، درختان و کشتزارهای گندم و سرانجام شهر قم را مشاهده می‌کنیم [۱۲۸۴ش] (لوتی، ۱۳۷۲: ۲۵۴).

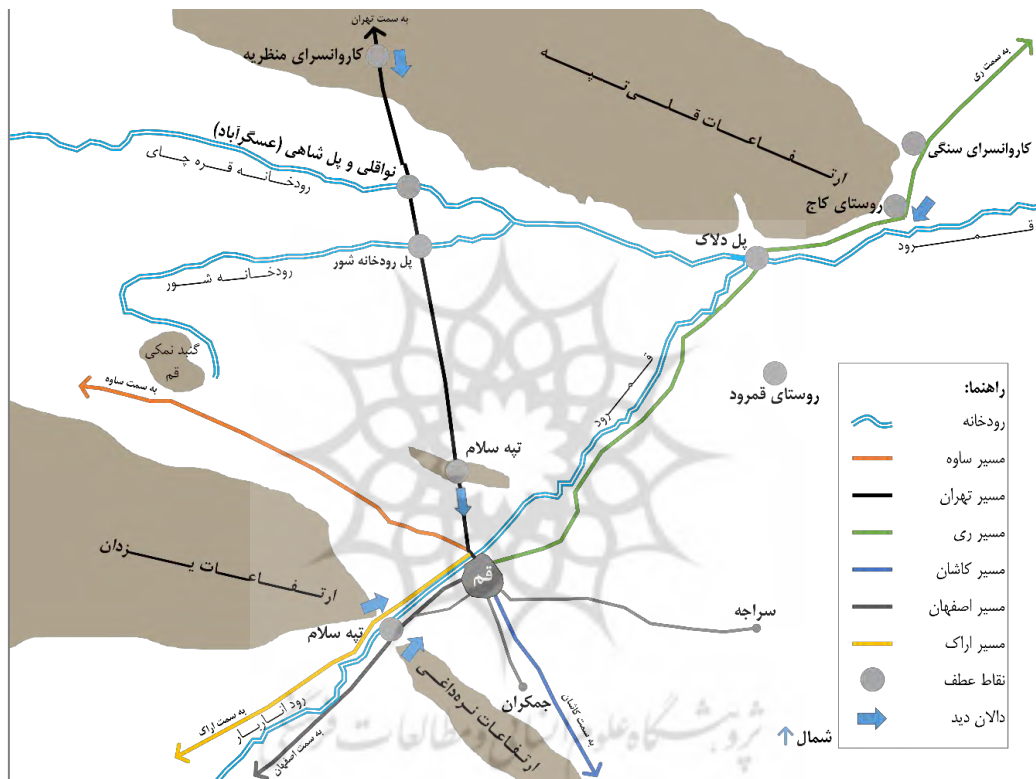
سفر در گذشته بسیار دشوار بوده است. به این دلیل دیدن شهر قم برای نخستین بار برای مسافران، اهمیت فوق‌العاده‌ای داشته است و نشان از رسیدن به مقصد یا مکانی امن بوده است. مکان‌هایی که این اولین رؤیت در آنها صورت می‌گرفته به تجربه شدید حسی و روانی به عابر دست داده دارای اهمیت فراوان بودند که در نوشته‌های سیاحان منعکس شده است. در این میان زائرانی که برای رسیدن به حوائج مادی و معنوی که از طرق دیگر برطرف کردن آنها ممکن نبوده، زحمت سفر را بر خود هموار کرده‌اند رؤیت شهر و حرم حضرت معصومه (س) اهمیت فراوان‌تری داشته است به طوری که مکان‌هایی که برای نخستین بار شهر قم دیده می‌شده است، دارای اسامی مرتبط با این موضوع هستند.



تصویر ۸- راست: جاده تهران- قم که از ارتفاعات منظریه مستقیم به سمت گنبد حرم حضرت معصومه (س) در زمان ناصری کشیده شده است عبدالله قاجار، ۱۲۶۵: ۳۰. چپ: عکسی که از پشت بام حرم حضرت معصومه (س) به سمت جاده قم- تهران قم گرفته شده است. مسیر مستقیم جاده در بالای عکس مشهود است [۱۲۷۱ش] (آقایی، ۱۳۹۴: ۵۸).



تصویر ۹- نواقلی راه تهران- قم [۱۲۸۸ش] (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۴۵) پل شاهی در نزدیکی قم (عبدالله قاجار، ۱۲۶۵: ۲۹)



تصویر ۱۰- سلسله مراتب تشرف از ورودی‌های منتهی به قم (ماخذ: نگارندگان بر مبنای (Survey of India, 1915))

۵-۱-۲- مهندسیه (مهمان‌خانه حضرت معصومه (س))

در مسیر راه ساوه و تهران، قبل از رودخانه، مجموعه‌ای شامل کاروانسرا، چاپارخانه و مهمان‌خانه وجود داشته که به مهندسیه مشهور بوده است. در دوره‌ی ناصرالدین شاه قاجار با توسعه این مجموعه به سبک هتل‌های اروپایی، طبقاتی به کاروانسرا به همراه یک ایوان بدان اضافه شده است که منظره زیبایی از حرم حضرت معصومه

(س)، رود اناربار، باروی شهر قم و پل و دروازه علیخانی در آن قابل رؤیت بوده است. گراور، کارت‌پستال و عکس‌های زیادی از طبقه دوم این کاروانسرا در بررسی‌های این تحقیق به دست آمد که نشان‌دهنده اهمیت منظره‌ای حرم است که از این مهمان‌خانه دیده می‌شده است (تصویر ۱۲). توصیفات زیادی از مهمان‌خانه و منظر آن ثبت شده است: «آخر این بازار منتهی به دروازه‌ای

یکی از بهترین توصیفات از مهمانسرا و منظره‌ی آن، توسط ناصرالدین شاه قاجار ذکر شده است: «مهمانخانه پهلوی دروازه و پل است، وارد مهمانخانه شدیم، این مهمانخانه را میرزا نظام مهندس کاشی ساخته است، بسیار خوب ساخته است، باغ و عمارت خوبی دارد و کلاه فرنگی سنگی وسط باغ ساخته است، خیلی جای باصفای خوبی است، رفتیم توی عمارت و بالاخانه‌های مهمانخانه، چشم‌انداز خوبی [به حرم] دارد. نهار را توی کلاه فرنگی وسط باغ خوردیم» [۱۲۶۷ش] (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

می‌شد که با گذشتن از آن به یک پل سنگی بزرگ روی رودخانه خشک و بدون آب قم می‌رسیدیم و چاپارخانه نیز در همین جا واقع بود. از بالای بام چاپارخانه که در محل مناسبی قرار داشت منظره‌ی شهر دیدنی بود» (بروگش، ۱۳۶۷: ۵۴۰). «در میان دو مناره، گنبد طلایی حضرت معصومه را هم که در پرتو خورشید درخششی خیره‌کننده داشت مشاهده کردیم. در قم در چاپارخانه‌ای که باغ بزرگ پر از گل و درخت داشت فرود آمدیم. گنبد حرم حضرت معصومه، در پرتو آخرین اشعه خورشید درخششی دلفریب داشت. [۱۲۸۴ش]» (آنه، ۱۳۷۰: ۲۰۰).



تصویر ۱۱- راست: تصویر مهمانسرای حضرت معصومه (س) (حسین علی قاجار، ۱۲۶۷) چپ: مهمانسرای حضرت معصومه (س) و بالاخانه و ایوان آن برای دیدن منظره حضرت معصومه (س) (تصویر ۱۲) [۱۲۶۹ش] (Thomson, 1891: 50)



تصویر ۱۲- منظره‌ای که از بالاخانه مهمانخانه حضرت معصومه (س) قابل رؤیت بوده است. [۱۲۶۹ش] (Thomson, 1891: 49)

۵-۱-۳- رودخانه و پل بگجه

هنگامی که از مسیر ساوه و بعدها تهران وارد قم می‌شدند، از پل و دروازه بگجه (ساوه) عبور می‌کرده‌اند که نقاط عطف سلسله‌مراتب تشریف به حرم هستند که در سفرنامه‌ها، گراورها و عکس‌های تاریخی اهمیت آن مشهود است.

«قم را خندق‌ش شهر بند کرده است و بارویی نیمه ویران دارد که در فواصل معین آثار برج‌هایی دیده می‌شود. دو دیوار زیبا در لبه و تمام طول نهر و سراسر درازای شهر کشیده شده، و در آخرین حد شرقی رودخانه پل عظیمی ساخته‌اند» (شاردن، ۱۳۷۴: ۵۲۲). «در ابتدای ورود به شهر از رودخانه توسط یک پل سنگی باید گذشت، و از روی سد قشنگی طرف دست راست پیچید و به کاروانسرای خیلی عالی راحتی رفت» (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۸۲). (از

روی پلی دوازده دهنه گذشته، و در انتهای دیگر از دری که دروازه بازار است وارد شهر شدیم» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۲).

همانطور که اشاره شد ورود جهانگردان به شهر قم عموماً از سه مسیر اصلی بوده که در بیشتر متون سفرنامه‌ها از مسیر پل و دروازه بگجه یاد شده است. دلیل اهمیت این مسیر نسبت به سایر مسیرهای شهر قم علاوه بر مبدا آن، منظره قابل توجه آن بوده است. وجود رودخانه به‌عنوان مفصل طبیعی و پل روی آن، همچنین نمای زیبایی از حرم حضرت معصومه (س) و شهر قم با مقابر و مساجد بسیار بر اهمیت این مسیر در ادراک سیاحان افزوده است. اوژن فلاندن نقاش فرانسوی تصویر این منظره را به زیبایی نقاشی کرده است (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳- نمایی از شهر قم دوازده و پل بگجه [۱۲۱۸] (Flandin, 1851: 35).

در اولین عکس‌هایی که از قم توسط لوئیجی پشه تهیه شده، عکسی از دروازه و پل بگجه به چشم می‌خورد (تصویر ۱۴). در عکسی که ۳۳ سال بعد توسط حسین علی قاجار تهیه شده (تصویر ۱۵) پل و دروازه به زیبایی روی پایه‌های پل قبلی به دست استاد حسن معمار قمی بازسازی شده است و نام پل و دروازه به نام بانی آن تغییر می‌کند. «دروازه خاکفرج؛ دروازه‌ای بوده که تصویر

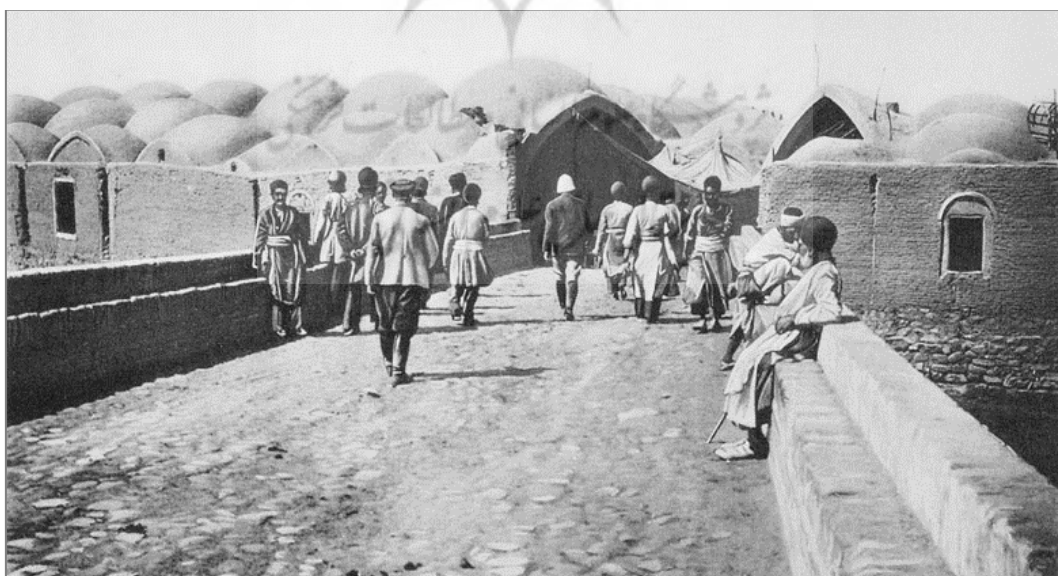
علیخان سنگری حاکم قم [بانی بازسازی] در بالای آن نصب گردیده بود» (محدثی، ۱۳۹۰: ۵۱). بازسازی پل و دروازه نشان از اهمیت این عناصر از نظر عملکردی و منظری دارد. متأسفانه این دروازه که یکی از نقاط عطف بسیار مهم در سلسله‌مراتب تشریف به حرم حضرت معصومه (س) بود، به دستور رضاشاه تخریب شد (تصویر ۱۶).



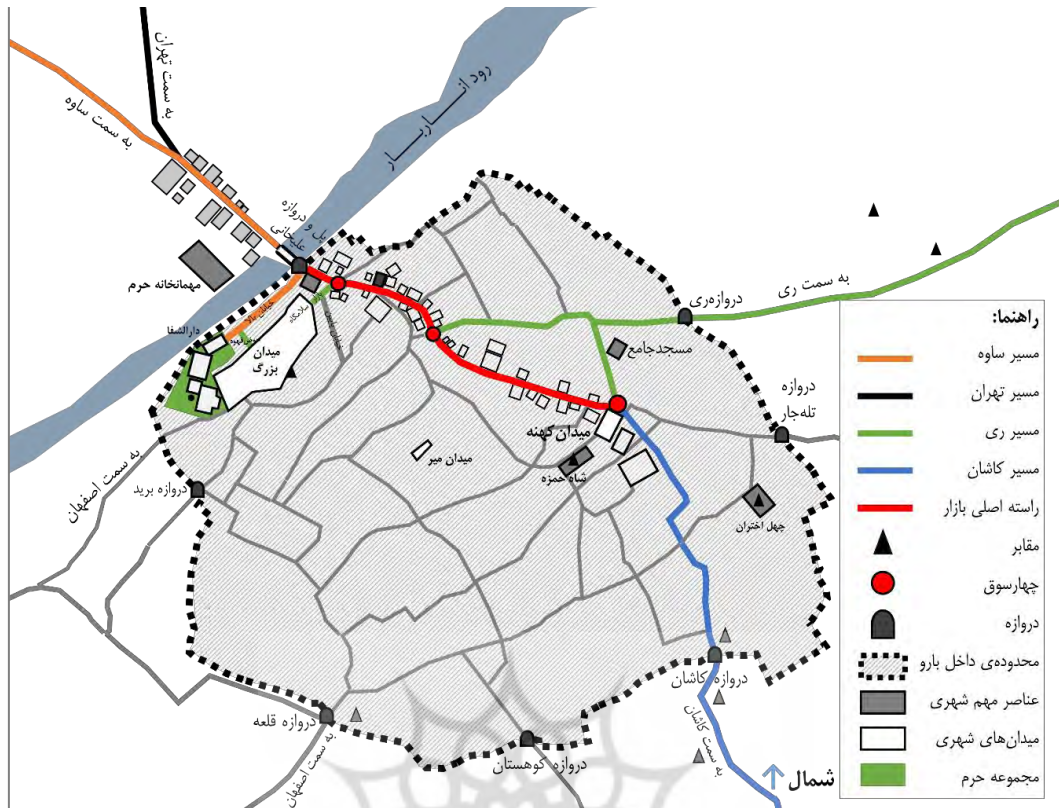
تصویر ۱۴- پل و دروازه بگجه (پشه، آلبوم شماره ۱۶۸، ۱۲۳۳) که در سیل تخریب و به جای آن پل و دروازه علیخانی (تصویر ۱۵) ساخته می شود.



تصویر ۱۵- پل و دروازه‌ی علیخانی که به زیبایی بازسازی شده است (حسین علی قاجار، ۱۲۶۷).



تصویر ۱۶- نمایی از پل علی خانی و ورودی بازار قم. دروازه علی خانی در این عکس به دست رضاشاه تخریب شده است (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۴۵).



تصویر ۱۷- سلسله مراتب تشریف هنگام ورود به قم با عبور از حصار و دروازه‌ها در امتداد جاده‌های عبوری از شهر قم (ماخذ: نگارندگان).

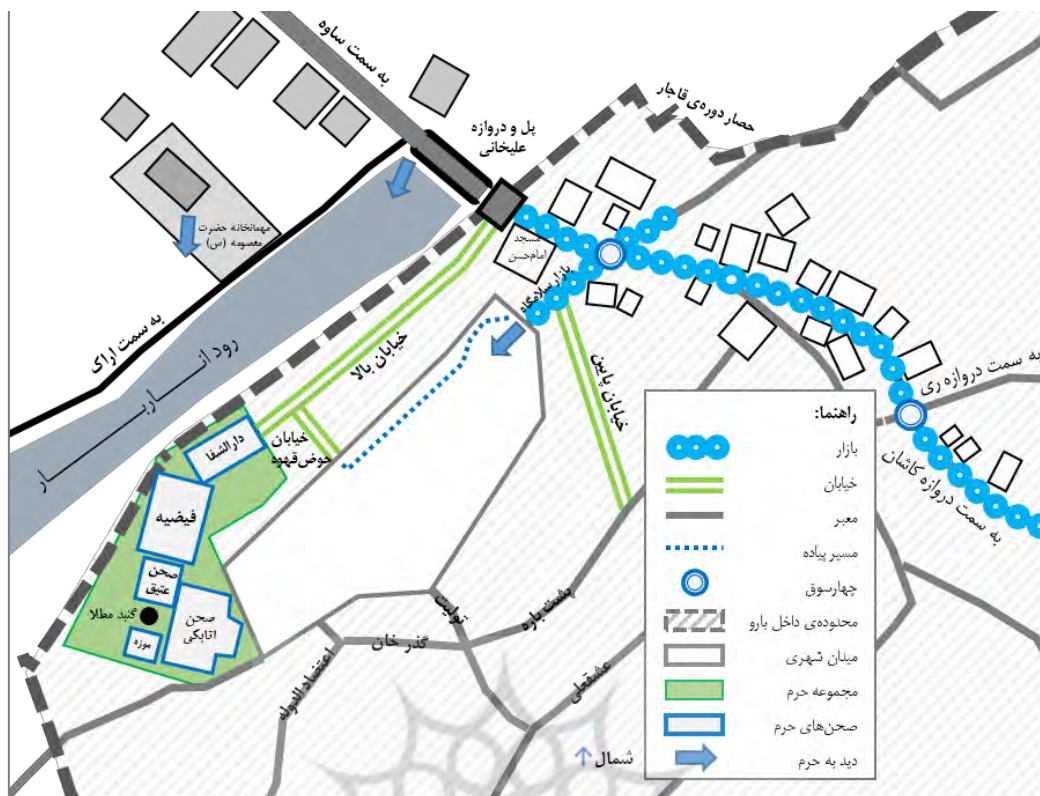
۱. مسیر ساوه و تهران: جاده ساوه، مهمان‌خانه حضرت معصومه (س)، پل و دروازه بگجه (ساوه)، خیابان بالا، سردر دارالشفای
۲. مسیر ری: دروازه ری، مسجد جامع، میدان کهنه، راسته اصلی بازار، بازار سلامگاه، میدان بزرگ، خیابان حوض قهوه، سردر دارالشفای
۳. مسیر کاشان: دروازه کاشان، میدان کهنه، راسته اصلی بازار، بازار سلامگاه، میدان بزرگ، خیابان حوض قهوه، سردر دارالشفای

۵-۲-۱- خیابان بالا

خیابان بالا بلندترین و مهم‌ترین خیابان دوره‌ی قاجار در قم است. « این خیابان از جنب پل علیخانی تا دارالشفای ادامه داشته است (به صورتی که اکنون است، ولی باریکتر و با چند گذر کوتاه) » (فقیهی، ۱۳۹۰: ۵۷). « دو طرف این خیابان مسافرخانه‌ها و کاروانسراهایی بوده و مسافرانی که از دروازه عبور می‌کردند، وارد این محله می‌شده‌اند » (محدثی، ۱۳۹۰: ۵۰). این خیابان در دوره پهلوی دوم تخریب شده است و اکنون اثری از آن نمانده است.

۵-۲-۲- مرحله دوم

مرحله دوم تشریف به حرم حضرت معصومه (س) مقیاسی شهری دارد و در داخل حصار شهر قم واقع شده است. این مرحله بستگی به این دارد که از کدام مسیر و دروازه وارد شهر قم شوند، دو مسیر اصلی برای رسیدن به حرم وجود داشته است. یکی از سمت راست دروازه‌ی علیخانی شروع و از طریق خیابان بالا که مستقیم به سردر دارالشفای می‌رسیده و دیگری از مسیر راسته اصلی بازار قم در چهارسوق به بازار سلامگاه می‌رسیده و بعد وارد میدان بزرگ می‌شده، سپس از طریق خیابان حوض قهوه (حضرتی) به سردر دارالشفای می‌رسیده است (تصویر ۱۸).



تصویر ۱۸- مرحله دوم سلسله مراتب تشریف به حرم حضرت معصومه (س) از دو مسیر داخل شهر قم (ماخذ: نگارندگان).

مسیر اول: پل و دروازه علیخانی، خیابان بالا، صحن دارالشفاء، صحن فیضیه و صحن عتیق.
 مسیر دوم: دروازه کاشان و دروازه ری، راسته اصلی بازار، چهارسوق، بازار سلامگاه، میدان بزرگ، خیابان حوض قهوه (حضرتی)، دارالشفاء، صحن فیضیه و صحن عتیق



تصویر ۱۹- راست: خیابان بالا (آقایی، ۱۳۹۴: ۱۹۸) چپ: انتهای خیابان بالا و سردر دارالشفاء (آقایی، ۱۳۹۴: ۲۰۸)

۲-۲-۵. راسته اصلی بازار، بازارچه سلامگاه و میدان بزرگ

کسانی که از طریق دروازه ری و دروازه کاشان وارد شهر شده و قصد زیارت حرم را داشته‌اند می‌بایست وارد راسته اصلی بازار قم

شده و پس از عبور از بازار سلامگاه که عمود بر راسته اصلی بود خود را به حرم برسانند (تصویر ۱۸). «بازارچه سلامگاه» قبلاً از چهارراه بازار به طرف مسجد امام، بازارچه‌ای وجود داشت که در

بزرگ این مسجد در یک میدان طولانی باز می‌شود که در آنجا یک کاروانسرا و دکاکین بسیاری ساخته شده، که در ظاهر شکوه و جلوه دارد، یک از اضلاع آن دیوار کوتاهی بسته شده که از فراز آن رودخانه و سواحل آن پیداست، همین میدان به رودخانه فوق منتهی می‌شود» (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۸۲). «بالای در بزرگ مدخل، میدان درازی که در هر دوسوی آن دکان‌هایی کوچک بنا گردیده و کاروانسرای که در سوی رودخانه ساخت شده، منظره را تکمیل می‌کند» (جیملی کاری، ۱۳۴۸: ۵۴).

به علت آنکه در زمان معاصر حرم حضرت معصومه (س) در مرکز شهر قرار گرفته این تصور به وجود آمده است که در گذشته نیز حرم، مرکز شهر قم بوده است. این در حالی است که مرکز شهر قم میدان کهنه و مسجد جامع بوده و حرم در حاشیه شهر قم واقع شده بود که به وسیله‌ی باغ بُلبلان یا بابلان از مجموعه شهر جدا شده است. این باغ به تدریج به میدان و قبرستان بزرگی تبدیل شده که موجب انفصال مجموعه حرم از شهر قم می‌شده است. همانطور که از گراور شاردن (تصویر ۲۱) برمی‌آید مجموعه‌ی حرم در دوره‌ی صفوی کاملاً از مجموعه شهر مجزا بوده است.

۵-۳- مرحله سوم: حرم و بارگاه

مرحله سوم شامل بنای حرم حضرت معصومه (س) شده و از سردر دارالشفای شروع و به ضریح مطهر ختم می‌شود. (تصویر ۱۸) بنا بر توصیف‌های ژان تاورنیه [۱۰۱۱ش]، ژان شاردن [۱۰۵۲ش] و جملی کاری [۱۰۷۳ش] در سفرنامه‌های خود از آستانه مقدسه آورده‌اند و گراوری که در سیاحت‌نامه شاردن از بناهای آستانه آمده است (تصویر ۲۱)، معلوم می‌شود در قرن یازدهم زائر

هنگام بیرون آمدن از آن حرم مطهر دیده می‌شده است. این بازارچه در زمان رضاشاه تخریب گردید» (محدثی، ۱۳۹۰: ۵۱). «در قدیم دو راه اصلی برای رفتن دسته‌های عزادار به سوی حرم مطهر وجود داشت که بسیار حائز اهمیت بود، راه معروف تر آن که از بازار شهر گذشته، به سلامگاه می‌رسید، یعنی تقریباً محوطه‌ی بیرون مسجد امام حسن عسگری (ع) واقع در سر قبرستان، خیابان آستانه شروع و به حرم مطهر ختم می‌گردید» (عباسی، ۱۳۹۱: ۱۹۳).

علت نامگذاری آن به سلامگاه، از این جهت بوده که با بیرون آمدن از بازار گنبد مطلای حرم از نزدیک دیده می‌شده است و زائر رو به حرم سلام می‌داده است. نام‌گذاری بازارچه سلامگاه اهمیت رؤیت حرم حضرت معصومه (س) و ایجاد حس تباین شدید میان فضای تاریک و مسقف بازار و میدان جلوی حرم حضرت معصومه (س) را نشان می‌دهد که پیر لوتی فرانسوی به زیبایی آن را توصیف نموده است: «روشنایی عصر از طریق در خروجی بازار در برابر ما پدیدار می‌گردد. گنبد درخشان از اینجا پیدا و بسیار نزدیک است و در محلی مزین و آراسته که گویی ساحری برای خیره کردن چشم ما ترتیب داده، مانند تاجی بر سر است. ... چشم‌های من چیزهای شگفت‌آور و زیبا بسیار دیده، ولی من هیچ یک از آنها را باشکوه‌تر یا شرقی‌تر و بهت‌آورتر از مقبره‌ی حضرت فاطمه، که یکی از عصرهای ماه مه به هنگام بیرون آمدن از بازار تاریک قم با جلوه‌گری در برابرم ظاهر شد، نیافتم» (لوتی، ۱۳۷۲: ۲۵۵).

در سفرنامه‌های دوره صفوی از میدان بزرگ (تصویر ۲۰) میان بازارچه سلامگاه و سردر دارالشفای ذکر شده که در حمله محمود افغان به قم از بین رفته و در دوره قاجار قبرستان بوده است. «درب

پیش از ورود به گنبدخانه‌ی حرم حضرت معصومه می‌نموده است. (س) از چهار حیاط متصل به یکدیگر عبور



تصویر ۲۰- دید به میدان آستانه از سقف بازار سلامگاه قم (محمدتقی نوری، ۱۳۸۲: ۷۳)



مقبره حضرت معصومه (س): بارگاه حضرت معصومه بنایی هشت ضلعی است که بالای آن گنبدی بزرگ و زیبا و باشکوه برافراشته شده است. مدخل بارگاه که هجده پا ارتفاع دارد در نهایت شکوه و جلال می‌باشد و سر در آن از سنگ‌های مرمر سپید و شفاف و پرقیمت ساخته شده است.

حیاط چهارم (صحن عتیق): حجره‌های بسیاری بنا شده که مانند اتاق‌های سه حیاط دیگر ایوان و مهتابی دارند. در این حجره‌ها طلاب علوم دینی زندگی می‌کنند.

حیاط سوم (مدرسه آستانه): دست کمی از حیاط اول ندارد. بناهای دو طبقه‌ای احاطه کرده که دارای ایوان و مهتابی می‌باشند، و جوی آبی از میان آن جاری است. در وسط حیاط حوض بزرگی دیده می‌شود، و چهار درخت بزرگ و سایه‌افکن در چهار گوشه آنست. این حیاط به وسیله دوازده پله سنگ مرمر به حیاط چهارم مربوط می‌شود.

حیاط دوم (دارالشفاء): از نظر صفا و زیبایی همسنگ حیاط اول نیست.

حیاط اول (بست): به شکل مربع و همانند باغی پرگل و درخت می‌باشد. خیابان میان آن که سنگ‌فرش شده با نرده از باغچه‌های پوشیده از گل و درخت و سبزه دو طرف جدا شده است. در دو طرف خیابان، و در طول حیاط دو صفا وسیع و آجرفرش به بلندی سه پا وجود دارد که روی هر کدام بیست اتاق ساخته شده. این قسمت از ساختمان دلگشا و خوش‌منظر و باصفاست. جوی آب صاف و روشنی که از حوضی واقع در مدخل محوطه جریان می‌یابد، به حوض دیگری که در آخر حیاط است وارد می‌شود.

تصویر ۲۱- بنا و حیاط‌های حرم حضرت معصومه (س) در سفرنامه شاردن [۱۰۴۳ش] (Chardin, 1686: 402)

و با سردرهای مرتفعی حاصل می‌شده است. همچنین در اضلاع کناری حیاط‌ها دری به خارج حیاط وجود ندارد. در دوره‌ی قاجار ایوان‌ها و درب‌ها به حیاط‌ها اضافه شدند و نقش این سلسله‌مراتب کمتر شد.

در جدول ۲ مجموعه‌ی این توصیفات آمده است. مشابهت و دقت در مجموعه توصیفات تاورنیه، شاردن و کارری در بازه زمانی ۶۲ساله به همراه گراور شاردن، تصوّر مناسبی از این چهار حیاط دوره صفوی ارائه می‌دهد. مطابق گراور شاردن دسترسی این چهار حیاط از طریق یکدیگر

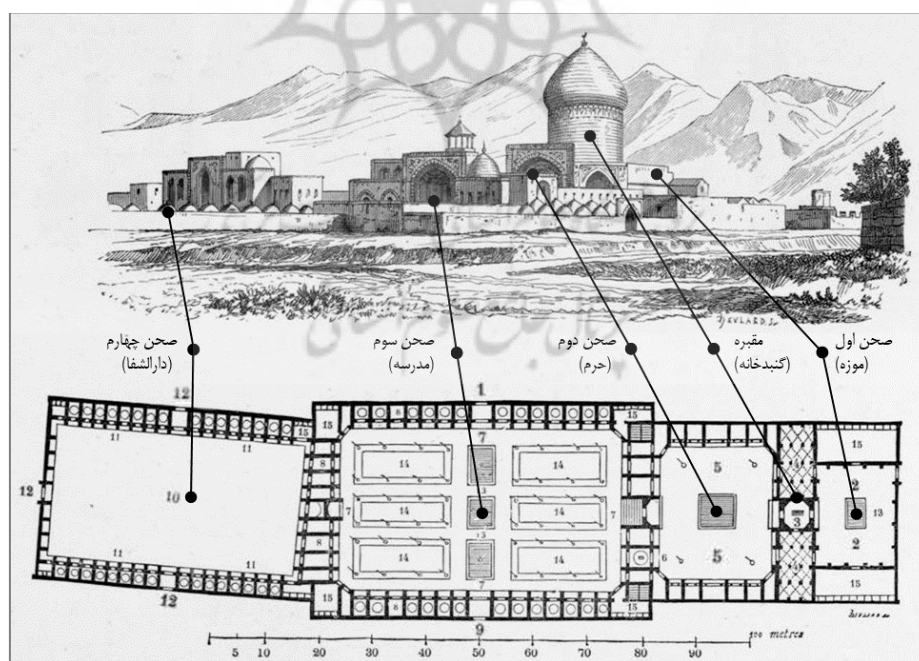
جدول ۲- توصیف چهار حیاط حرم حضرت معصومه (س) در سفرنامه های ژان تاورنیه، ژان شاردن و جملی کاری

حیاطها	ژان تاورنیه [۱۰۱۱ش]	ژان شاردن [۱۰۵۲ش]	جملی کاری [۱۰۷۳ش]
حیاط اول (بست)	اول داخل یک حیاط مربع شکل و طولانی می‌شوند که می‌توان آن را باغ نامید. به جهت اینکه در دو طرف خیابان وسط آنکه سنگ‌فرش است، باغچه‌های مربع گلکاری درست کرده‌اند؛ توسط نرده‌ای از چوب که در طول خیابان از طرف باغچه کشیده شده. در این حیاط اول طرف چپ اتاق‌هایی کوچک دیده می‌شود که اشخاصی که باید هر روز از موقوفات محض خیرات غذا بخورند؛ اشخاصی هم که برای عدم بضاعت، از دست طلبکار بست می‌نشینند، در همین اتاق‌ها منزل می‌کنند.	این مسجد [حرم] دارای چهار حیاط است. حیاط اول به شکل مربع و همانند باغی پرگل و درخت می‌باشد. خیابان آن که سنگ‌فرش شده با نرده از باغچه‌هایی پوشیده شده از گل و درخت و سبزه دوطرف جدا شده است. در دوطرف خیابان و در طول حیاط دوصف‌ه‌ی وسیع و آجرفرش وجود دارد که روی هر کدام بیست اتاق ساخته شده. هر کدام طاقی به وسعت نه پای مربع دارد، و هر یک دارای بخاری و یک ایوان می‌باشد. در طرف چپ در ورودی پایاب گودی وجود دارد. جوی آب صافی که از حوضی واقع در مدخل محوطه جریان می‌یابد به حوض دیگری که در آخر حیاط است وارد می‌شود.	سیس به حیاط وسیعی وارد می‌شویم که چون باغی بزرگ با درختان کاج پوشیده شده و از دوطرف با دیوارهای کوتاهی محصور گردیده و در قسمت جلوی آن گل سرخ و دیگر گل‌ها به حد زیاد کاشته و بر دست راست اتاق کوچکی جهت اطعام مساکین بنا شده است. غربا و مساکینی که بدان جا می‌آیند با تکه‌ای گوشت و مقداری نان و پلوی رایگان اطعام می‌گردند.
حیاط دوم (دارالشفاء)	از حیاط اول داخل حیاط بزرگتری می‌شوند که صحن آن سنگ‌فرش است.	حیاط دوم از نظر صفا و زیبایی هم سنگ حیاط اول نیست.	این حیاط درختان گوناگون و حجره‌هایی برای خدام و نگهبانان مساجد دارد.
حیاط سوم (مدرسه)	و از آنجا توسط چند پله داخل حیاط بلند مهتابی دار مربعی می‌شوند که در اطراف آن حجره‌ی طلبه‌های مسجد واقع است. حوض زیبایی در وسط آن واقع است که از آب جاری لبریز است. آب آن توسط نهرهایی کوچک می‌رود که جاهای دیگر را مشروب می‌نماید.	اطراف حیاط سوم را بناهای دو طبقه‌ای احاطه کرده که دارای ایوان و مهتابی می‌باشند و جوی آبی همانند جوی حیاط اول از میان آن جاری است. در وسط حیاط حوض بزرگی دیده می‌شود و چهار درخت بزرگ سایه‌افکن در چهار گوشه آنست. این حیاط به وسیله‌ی دوازده پله سنگ مرمر به حیاط چهارم مربوط می‌شود.	از اینجا نیز دری به حیاط مربع زیبایی دیگر باز می‌شود که حوض پر آب و فواره‌ای در حال فوران دارد. در تمام اطراف آن حجره‌ها و اتاق‌هایی جهت ملأها و طلاب علوم دینی بنا گردیده است.
حیاط چهارم (صحن)	در اطراف این حیاط هم حجراتی ساخته شده و نمای مسجد یک ضلع آن را اشغال کرده که سبب جلوه و قشنگی آن شده است.	سردر مرتفع حیاط اخیر بسیار عالی و باشکوه است و قسمت پایین آن با سنگ مرمر سپید که از روشنی و تابناکی چون سنگ سماق می‌درخشد آذین یافته و قسمت بالای سردر که به صورت نیمه گنبد است با نقوش زرین و لاجوردی مزین شده است.	حجره‌هایی برای طلاب و همچنین مسجد کوچکی بنا شده که نمای قشنگی دارد. سه در، زیر سردر بزرگ آن به چشم می‌خورد. در وسطی بزرگ است و به مسجد باز می‌شود و در دست راست به مقابر باز می‌شود.

۱۲۱۸ق. در آستانه مقدسه خدماتی انجام داده است، این سه بنا را در هم ریخته و به جای آنها مدرسه‌ای بزرگ (مدرسه فیضیه کنونی) و دارالشفایی برای آستانه مقدسه بنیاد نهاده است» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۵۰: ۱۲۵۰).

گراور تاریخی‌ای که معمار فرانسوی پاسکال کوست از مجموعه‌ی حرم حضرت معصومه (س) در سال ۱۲۱۸ش. و پس از مرگ فتحعلی‌شاه تهیه کرده (تصویر ۲۲) به خوبی تغییراتی که نسبت به تصویر شاردن (تصویر ۲۱) ایجاد شده را نشان می‌دهد. در این تصویر چهار حیاط به سه حیاط مبدل شده و مدرسه فیضیه بزرگتر شده و به صورت چهار ایوان درآمد و دو ورودی از جناحین بدان اضافه شده است که نیاز به عبور از دارالشفای کمرنگ می‌کند. همچنین یک حیاط پشت قبله، نیز به مجموعه افزوده شده است.

این توصیفات معرف نمونه‌ی والا و کم‌نظیر از سلسله‌مراتب تشریف به اماکن مقدس و مذهبی در معماری ایران است. وجود چهار حیاط پی‌درپی با فرم و عملکردهای متنوع، تشریف به مقبره حضرت معصومه را طولانی‌تر می‌کرده است و زائر با عبور از آنها آماده حضور در فضای معنوی گنبدخانه می‌شده است. این شاهکار معماری ایرانی در یورش افغان‌ها و دخل و تصرفات دوره قاجار به تدریج از بین می‌رود. در زمان فتحعلی‌شاه قاجار برای بازسازی این مجموعه با ادغام حیاط دوم و سوم، مجموعه به سه حیاط مبدل می‌شود: «به نظر می‌رسد به جای صحن دوم و سوم، مدرسه‌ی فیضیه قرار گرفته باشد که تأیید این نوشته‌ی عبدالرزاق دنبلی است که می‌گوید: دو صحن کهن به یکدیگر پیوسته، مدرسه‌ای روح‌افزا مشتمل بر حجرات و حیاض پرداخته‌اند» (فقیهی، ۱۳۹۰: ۱۷۷). «فتحعلی شاه قاجار که از سال ۱۲۱۳ تا



تصویر ۲۲- اسکیس و پلانی که پاسکال کوست [۱۲۱۹ش] معمار فرانسوی از مقبره‌ی حضرت معصومه (س) کشیده است. ۱- سردر ۲- صحن اصلی ۳- مرقد فاطمه (س) ۴- مسجد ۵- صحن مسجد ۶- قبر فتحعلی‌شاه ۷- صحن مدرسه ۸- حجره‌های استادان ۹- ورودی مدرسه ۱۰- صحن صحت [دارالشفای] ۱۱- حجره‌های طلاب ۱۲- ورودی صحن طلاب ۱۳- حوض و فواره ۱۴- باغچه ۱۵- توالی. (Coste, 1867, p. 40)

(تصویر ۲۴). در این دوره همچنان حیاط مدرسه فیضیه به صورت صحنی برای حرم عمل می‌کرده است. در اواخر دوره قاجار با بسته شدن در مابین صحن فیضیه و عتیق، صحن اتابکی به مهمترین صحن و ورودی حرم تبدیل می‌شود. از این دوره تاکنون صحن اتابکی با ایجاد مفصل میان مجموعه شهر و حرم نقش مهمی در ایجاد سلسله‌مراتب تشریف ایجاد می‌نماید.

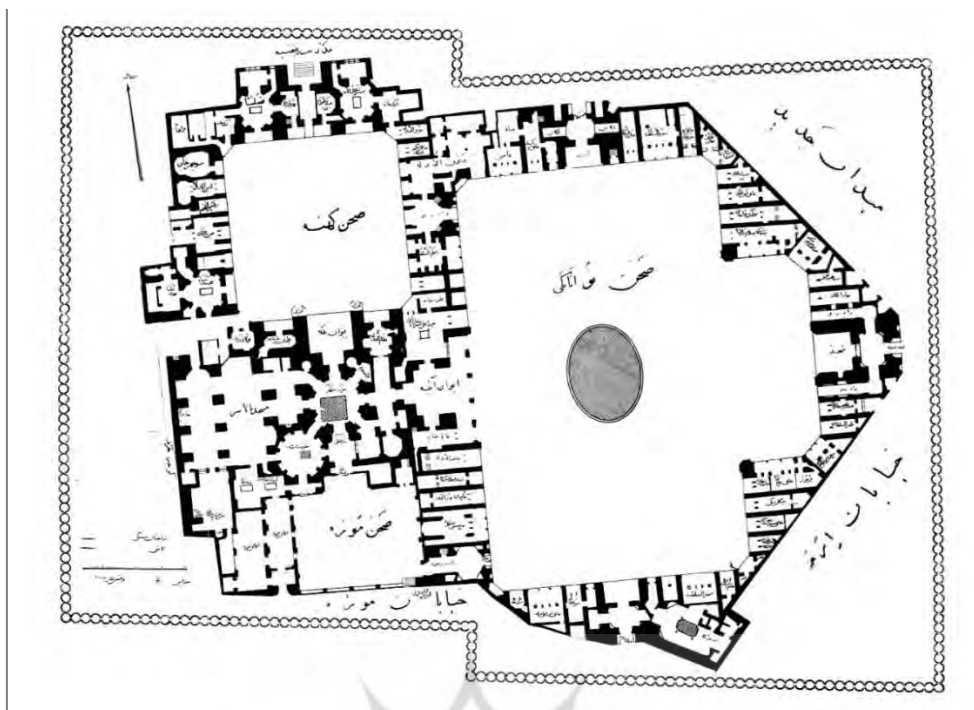
ناصرالدین شاه در توصیف این صحن جدید می‌گوید: «دیگر بنای این صحن از تعریف گذشته است، همین قدر می‌نویسم، همچو بنایی در ایران که سهل است، در تمام فرنگستان و چین و هند، [ساخته] نشده است. کاشی‌کاری‌های بسیار خوب مثل مینا کرده‌اند، منارهای کاشی بسیار بلند دارد، یک حوض هم وسط صحن ساخته‌اند که آب خواهد آمد، اینجا معدن مرمر درآمده است که مرمرهای یک‌پارچه، پنج ذرع طول دارد و ستون‌های سنگ بلند یک‌پارچه دارد که از معدن همین جا درآورده‌اند. مرمرهای خیلی قشنگ دارد، رگه‌های قرمز و آبی دارد. ایوان آئینه‌کاری می‌سازند که هنوز ناتمام است، مثل بهشت، خیلی باصفا» [۱۲۶۷ش] (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

پاسکال کوست به واسطه معمار بودنش، ترسیم‌ها و توصیف‌های بسیار دقیقی از حرم دارد: «حرم [حضرت] فاطمه (س) که به وسیله‌ی گنبد طلائی‌اش از فاصله چند کیلومتری چشمان را به خود جذب می‌کند، یک بنای بسیار وسیع است که مرکب از چهار صحن پشت سر هم است. اولین صحن به وسیله‌ی دیوارهای محکم احاطه شده است. همچنین دارای رواقی است که ورودی صحن‌های دیگر است. دومین صحن محوطه همان مسجد [حرم] است. بین دو صحن [اول و دوم] سالنی [گنبدخانه] ساخته شده که دربردارنده مقبره حضرت معصومه می‌باشد. سومین صحن دربردارنده مدرسه است؛ جایی که روحانیون و علما، قرآن تدریس می‌کنند. صحن چهارم جایی برای استراحت زائرین می‌باشد. تمامی این چهار صحن دارای رواق‌هایی هستند که با کاشی‌های متنوع تزئین شده‌اند.» (Coste, 1867: 40)

در دوره ناصرالدین شاه صحنی بزرگ در ضلع شرقی گنبدخانه و حیاط چهارم توسط استاد حسن معمار قمی ایجاد می‌شود که صحن نو یا اتابکی نام می‌گیرد (تصویر ۲۳). این صحن با ایوانی بزرگ به گنبدخانه حرم حضرت معصومه (س) متصل می‌شود. با ایجاد این صحن مجموعه حرم حضرت معصومه (س) به شکل امروزی آن شبیه‌تر می‌شود



تصویر ۲۳- راست: صحن اتابکی در حال ساخت (عبدالله قاجار، ۱۲۶۵: ۴) چپ: صحن اتابکی پس از تکمیل (عبدالله قاجار، ۱۲۷۴: ۷)



تصویر ۲۴- پلان مجموعه حرم حضرت معصومه (س) را در اواخر دوره قاجار به همراه مکان دفن پادشاهان صفوی و قاجار. (برقعی، ۱۳۱۷)

نتوانند به مزار مقدس دست بزنند یا ببوسند. در بارگاه حضرت معصومه شبانگهان شمع بسیار روشن می‌کنند» (شاردن، ۱۳۷۴: ۵۲۴).

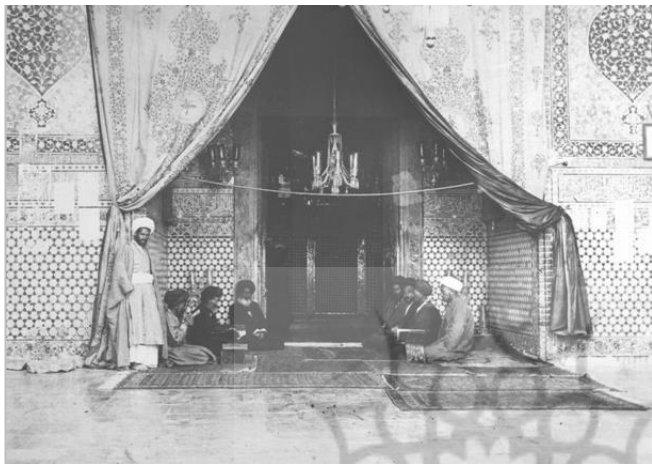
توصیفات سایر سیاحان مشابه شاردن است. بنای مقبره حضرت معصومه (س) و پادشاهان صفوی و قاجار و تزئینات آن تأثیر زیادی بر سیاحان گذاشته و عموماً از کاشی‌کاری، طلاکاری، نقره‌کاری، قندیل‌ها، فرش‌ها، پرده‌ها، پارچه‌ها و سایر عناصر تزئینی بارگاه ابراز شگفتی کرده‌اند: «این مقبره از جلال و شکوه چیزی کم ندارد. کاشی‌کاری‌های مناره‌ها و سردر آن بسیار زیباست. طلاکاری‌ها و نقره‌کاری‌های زیبای ضریح مقدس واقعاً چشم را خیره می‌سازد. تعداد چهارصد چراغ مرصع در اعیاد بزرگ اتاق‌های تاریک و مقبره را روشن می‌کند. خدمتکارانم، پیوسته از شکوه و جلال گنبد و مقبره‌ی فاطمه در

بارگاه حضرت معصومه و مجموعه ایوان و گنبدخانه نقطه‌نهایی تشریف به حرم حضرت معصومه (س) بوده است و برخی از سیاحان که توانسته‌اند خود را به بارگاه برسانند، توصیفات دقیقی از این فضا آورده‌اند: «بارگاه حضرت معصومه بنایی هشت ضلعی است که بالای آن گنبدی بزرگ و زیبا و باشکوه برافراشته شده است. سطح داخلی بارگاه از پایین به بالا به قدر شش پا با صفحه‌های بزرگی از سنگ سماق برآق و مواجی که روی آنها با طلا و رنگ‌های زیبا شکل گل کشیده شده پوشیده شده است. در میان این بارگاه قبر متبرک و مطهر حضرت فاطمه دختر حضرت امام موسی کاظم (ع) است. نیم گام دور از مزار نرده‌ای سیمین و توپر به بلندی شش پا در اطراف آن تعبیه شده، و در هریک از چهار گوشه‌اش گویی بزرگ از زر نصب گردیده است. نرده را دور مزار از آن نصب کرده‌اند که زائران

مخاطب بنا شده است، در دستیابی به هدف خود کاملاً موفق بوده‌اند. به طوری که در عین نشان دادن عظمت، جلال و شکوه، مقبره به القا حالات معنوی در زائر می‌پردازند و زائر را دچار غلیان حسی و روانی می‌کنند.

قم و همین‌طور از مقبره فتحعلی‌شاه سخن گفتند» (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۹۵).

مجموعه‌ی توصیفاتی که بارگاه حرم حضرت معصومه (س) شده است، نشان می‌دهد که معماری بنا و تزئینات آن که باهدف بزرگداشت مقام حضرت معصومه (س) و تأثیر گذاری بر ادراک



تصویر ۲۵- راست: اولین عکس از ایوان طلا در صحن عتیق (پشه، آلبوم شماره ۶۷۹، ۱۳۳۴: ۶) چپ: ایوان صحن عتیق، ضریح مطهر حضرت معصومه (س) و خدام حرم (جلیل‌الدوله قاجار، ۱۳۷۹: ۸۴)

می‌دهد. وجود مهمان‌خانه حضرت معصومه (س) در خارج از شهر و در طرف دیگر رودخانه، بهترین منظره را به حرم و شهر، فراهم می‌کرده است. با ایجاد فضای ایوان در طبقه فوقانی مهمان‌خانه، مخاطب قبل از ورود به شهر، کلیت بنای حرم را به همراه گنبد، گلدسته‌ها و ایوان‌ها را در بستری از باغات سبز و در پشت آن کوه‌های جنوب قم می‌دیده است که در بیشتر سفرنامه‌ها و عکس‌ها به این مطلب اشاره شده است. در این مکان مخاطب می‌توانسته تمام شهر قم و عناصر آن مانند: بارو، برج‌ها، دروازه، گنبد، گلدسته‌ها، بادگیرها و باغات را به مشاهده بنشیند؛ همچنین قبل از زیارت اندکی بیاساید. از نظر بصری و عملکردی این مهمان‌خانه در بهترین مکان خود واقع شده بود.

۶- نتیجه‌گیری

وجود سلسله‌ای از فضاهای متوالی و متباین در معماری ابنیه مذهبی ایران امری کاملاً شناخته شده است و نمونه‌ی اعلا‌ی آن را می‌توان در حرم حضرت رضا (ع)، مقبره‌ی شاه‌نعمت‌الله ولی و مسجد شیخ‌لطف‌الله مشاهده کرد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد در مقیاس شهری و فراشهری سلسله‌ای از فضاهای متوالی و متباین وجود دارد که فعالیت ورود به شهر مذهبی قم را به وسیله‌ی تأثیر بر ادراک عابران، به تجربه‌ای متمایز مبدل می‌کند.

در اولین دید به شهر، وجود گنبد مرتفع و مطالی حرم حضرت معصومه (س) به‌عنوان بلندترین ساختمان خط آسمان شهر، نوید یک شهر مذهبی را از کیلومترها دورتر از دروازه‌ی شهر

وجود دارد. فعالیت‌های این چهار حیاط به گونه‌ای در توالی هم قرار گرفته‌اند که گویی می‌خواهند انسان خاکی را به افلاک رهنمون سازند. وجود این چهار حیاط با القای شدید حس محرمیت با توجه به زن بودن مدفون آن، حالتی رازگونه دارد. هرچند با دخل و تصرفات دوره قاجار کیفیت‌های موجود در این سلسله از حیاط‌ها به تدریج از بین می‌رود ولی اواخر این دوره با ساخت صحن اتابکی دوباره مفصلی میان مجموعه شهر و حرم ایجاد می‌شود.

بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد ورود به شهر کهن قم تنها در نقطه تلاقی بارو و مسیر ورودی شهر یا همان دروازه اتفاق نمی‌افتاده است. ورود، جریانی از حس حضور در مسیر و نه صرفاً یک نقطه است که با رؤیت شهر از فرسنگ‌ها دورتر شروع و تا وارد شدن به مهمترین بنا شهر ادامه داشته است. کالبد راه‌ها و شهرهای گذشته ما برای تقویت جریان این حضور و اثرگذاری بر ادراک و رفتار عابران دارای نقاط عطف فراوانی بوده‌اند که کیفیت و میزان آن در شهرهایی مانند قم که جنبه مذهبی قوی‌تری دارند، بیشتر است.

در مرحله بعد زائر پس از عبور از رودخانه، پل و دروازه که مفصل قوی جداکننده محیط طبیعی از محیط مصنوع است با حضور در راسته‌ی اصلی بازار، وارد شهر می‌شود و پس از مسیر ۱۰۰ متری در راستای بازار با گردش به سمت راست وارد بازارچه سلامگاه می‌شود و از اینجا است که می‌تواند گنبد را از نمای نزدیکتر ببیند. این بازارچه اسم خود را از منظرش به سمت گنبد می‌گیرد. پس از سلامگاه میدان بزرگی تا سردر مجموعه حیاط‌های حرم بوده که وجود این میدان سبب می‌شده تا مجموعه حرم در داخل حصار شهر و منفصل از کالبد شهر قرار داشته باشد.

مجموعه‌ی حرم حضرت معصومه (س) با چهار حیاط تودرتو در وحدت فرمی باهم و با فعالیت‌های متنوع و مرتبط، یکی از شاهکارهای معماری بناهای آرامگاهی و مذهبی ایران بوده است. حیاط اول، محل بست نشستن گناهکاران و فقیران و حیاط دوم محل شفای بیماران است. حیاط سوم محل تحصیل علم و دین است و پس از طی تعداد زیادی پله، حیاط چهارم قرار دارد که محل تأمل و آمادگی برای زیارت است. در انتهای آن نقطه اوج بنا یعنی ایوان، گنبدخانه و ضریح

منابع و مآخذ

- آقایی، مجتبی سربزه. (۱۳۹۴). در حریم حرم: قم در گذر زمان (جلد ۱). (ا. سلیمانی، تدوین) قم: شهرداری قم.
- آنه، کلود. (۱۳۷۰). گلهای سرخ اصفهان: ایران با اتومبیل. (ف. جلوه، مترجم) تهران: نشر روایت.
- اوپن، اوژن. (۱۳۶۲). ایران امروز (۱۹۰۶-۱۹۰۷م). (ع. سیدی، مترجم) تهران: کتابفروشی زوار.
- اولتاریوس، آدام. (۱۳۷۰). سفرنامه‌ی آدام اولتاریوس: اصفهان خونین شاه صفی. (ح. کردبچه، مترجم) تهران: هیرمند.
- برقی، سید علی اکبر. (۱۳۱۷). راهنمای قم. تهران: دفتر آستانه قم.
- بروگش، هینریش. (۱۳۶۷). سفری به دربار سلطان صاحبقران (۱۸۹۵-۱۸۶۱) (جلد ۲). (ح. کردبچه، مترجم) تهران: اطلاعات.
- بروگش، هینریش. (۱۳۷۴). در سرزمین آفتاب، دومین سفرنامه هینریش بروگش. (م. جلیوند، مترجم) تهران: نشر مرکز.
- بری، تامس. (۱۳۸۴). رمز و بنا و آیین. (م. قیومی بیدهندی، تدوین) خیال، هنر و معماری (۱۳)، ۳۶-۶۹.
- بهشتی، سید محمد. (۱۳۹۵). انتقادات صریح رئیس پژوهشگاه میراث درباره تخریب بافت تاریخی مشهد. تهران: گردشگری.
- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۴). راهنمای طراحی فضاها‌ی شهری در ایران. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۹۵). تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران ۲ دوران قاجار و پهلوی اثر جهانشاه پاکزاد. تهران: آرمانشهر.

- پرتوی، پروین. (۱۳۸۷). پدیدارشناسی مکان. تهران: فرهنگستان هنر.
- پشه، لوتیجی. (۱۳۳۳). آلبوم شماره ۱۶۸. آلبوم خانه کاخ موزه گلستان، تهران.
- پشه، لوتیجی. (۱۳۳۳). آلبوم شماره ۶۷۹. آلبوم خانه کاخ موزه گلستان، تهران.
- تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۳۶). سفرنامه. (ح. شیرانی، تدوین، و ا. نوری، مترجم) کتابخانه سنایی.
- جلیل الدوله قاجار. (۱۲۷۹). آلبوم شماره ۴۳۸. آلبوم خانه کاخ موزه گلستان، تهران.
- جیملی کاری، فرانچسکو جووانی. (۱۳۴۸). سفرنامه کاری. (ع. نخجوانی، و ع. کارنگ، مترجم) تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- چیت سزایان، زهرا. (۱۳۹۰). شهر دیدار، بازخوانی کاشان از منظر آیین زیارت. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۷۸). از شار تا شهر. تهران: دانشگاه تهران.
- حسین علی قاجار. (۱۲۶۷). آلبوم شماره ۱۵۹. آلبوم خانه کاخ موزه گلستان، تهران.
- دالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری (جلد ۴). تهران: امیرکبیر.
- دهشیدی، رضا. (۱۳۸۹، دی). پژوهش در هنر اصیل معماری اسلامی ایرانی: حجره حجره همه جا یاد خدا. فرهنگ بويا، ۱۹، ۱۱۶-۱۰۷.
- دیولافوا، ژان. (۱۳۷۸). سفرنامه مادام دیولافوا. (ه. فره‌وشی، مترجم) تهران: قصبه پرداز.
- سعیدنیا، احمد. (۱۳۶۵). خاستگاه شهر قم. در م. کیانی، شهرهای ایران (جلد ۲، ص. ۱۴۳-۱۶۹). تهران: جهاد دانشگاهی.
- شاردن، ژان. (۱۳۷۴). سیاحتنامه ایران (جلد ۲). (ا. یغمایی، مترجم) تهران: توس.
- عباسی، مهدی. (۱۳۹۱). تاریخ تکایا و عزاداری قم. قم: بنیاد قم پژوهی.
- عبدالله قاجار. (۱۲۶۵). آلبوم شماره ۲۰۸. آلبوم خانه کاخ موزه گلستان، تهران.
- عبدالله قاجار. (۱۲۷۴). آلبوم شماره ۱۶۷. آلبوم خانه کاخ موزه گلستان، تهران.
- فقیهی، علی اصغر. (۱۳۹۰). دیروز و امروز قم. قم: مرکز قم پژوهی.
- فلاندن، اوژن. (۱۳۵۶). سفرنامه‌ی اوژن فلاندن. (ح. نورصادقی، مترجم) تهران: اشراقی.
- فوریه، ژان. (۱۳۵۱). سه سال در دربار ایران. (ع. اقبال، مترجم) تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشار کتاب ایران.
- کرزن، جرج ناتانیل. (۱۳۷۳). ایران و قضیه ایران (جلد ۲). (غ. وحید مازندرانی، مترجم) تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- گروتو، یورک کورت. (۱۳۸۸). زیبایی‌شناسی در معماری. (ج. پاکزاد، مترجم) تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لوتی، پیر. (۱۳۷۲). به سوی اصفهان. (ب. کتابی، مترجم) تهران: چاپ و انتشارات اقبال.
- مامفورد، لوتیز. (۱۳۸۵). فرهنگ شهرها. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- محدثی، جلال. (۱۳۹۰). محلات و کوی‌های قم. پنجره: نشریه سازمان نظام مهندسی ساختمان استان قم، ۱۱ و ۱۰، ۵۳-۵۰.
- محمدتقی نوری. (۱۲۸۲). آلبوم شماره ۴۶۱. آلبوم خانه کاخ موزه گلستان، تهران.
- مدرسی طباطبایی، حسین. (۱۳۵۰، آبان). مدارس قدیم قم، مدارس قم در دوره صفوی. وحید، ۹۵، ۱۲۴۷-۱۲۵۳.
- ناصرالدین شاه قاجار. (۱۳۸۱). سفرهای ناصرالدین شاه به قم. (ف. قاضی‌ها، تدوین) تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.

- Alexander, C., Ishikawa, S., & Silverstein, M. (1977). *A pattern Language*. Oxford: Oxford university press.
- Barrie, T. (1996). *Spiritual Path, Sacred Place: Myth, Ritual, and Meaning in Architecture*. Boston & London: Shambhala.
- Brugsch, H. K. (1862). *Reise der königlich Preussischer Gesandtschaft nach Persien 1860 und 1861*. Leipzig.
- Bruyn, C. d. (1718). *Voyages De Corneille Le Brun Par La Moscovie, En Perse, Et Aux Indes Orientales*.
- Chardin, J. (1686). *Journal du voiage du Chevalier Chardin en Perse et aux Indes orientales la Mer Noire et par la Colchide: Qui contient le voiage de Paris à Ispahan*. Amsterdam: Jean Wolters & Ysbrand Haring.
- Coste, P. X. (1867). *Monuments modernes de la Perse mesurés, dessinés et décrits par Pascal Coste*. Paris: A. Morel.
- Durand, E. R. (1902). *An autumn tour in western Persia*. Westminster: ArchiBald Constable.
- Flandin, E. (1851). *Voyage en Perse de MM. Eugène Flandin, peintre, et Pascal Coste, architecte, attachés à l'Ambassade de France en Perse, pendant les années 1840 et 1841*. Paris: Gide et J. Baudry.

- Gregori, B. (2016). "Three Entrance, Cite gates of the middle bronze age in Syria and Palestine. The Journal of the Council for British Research in the Levant, 83-102.
- Olearius, A. (1647). Offt beehrte Beschreibung der Newen Orientalischen Reyse, Glocken, Schleßwig., Schleßwig: Holwein.
- Smithson, A. (1974). Team 10 primer. Cambridge: Massachusett the mit press.
- Survey of India. (1915). Qum, Kashan, Khalajistan, and Mahallat Provinces. Map. Oriental Institute, University of Chicago, Chicago. Retrieved from <https://oi-idb.uchicago.edu/id/110230bc-dbbd-429a-83b4-0ef65b96106f>
- Thomson, J. (1891). A Collection of Photographs taken in Persia, Turkey and in the Caucasus, during a seven months' journey in 1891, platinotype prints by J. Thomson. Vol. 2. Retrieved 01 26, 2017, from <http://bibliotheque-numerique.inha.fr/viewer/15528/?offset=3#page=50&viewer=picture>
- White, E. T. (2007). Path, Portal, Place. In M. Carmona, & S. Tiesdell, Urban Design Reader (pp. 181-198). Routledge.

